

نقش و تحول روانی زن ایرانی
طی تاریخ کهنسال ایران

از آذر رهنما : استاد دانشسرای عالی تهران

نقش و تحول روانی زن ایرانی طی تاریخ کهنسال ایران

از : آذر رهنما استاد دانشرای عالی تهران



مراد نویسنده در پرداختن به موضوع این کتاب توجهی
ژرفتر به نقش مؤثر زن بعنوان مهمترین عامل پرورش یا بهتر
بگوئیم بعنوان مربی طبیعی نسلهای امروز و فردا بوده است.
بهمین دیدگاه است که در این پژوهش پاسخهایی زنده
برای مسائل پرورشی کشور که نویسنده سالیان دراز با آن
سروکار داشته است به خواننده ارائه داده میشود .

این مجموعه مختصر چکیده‌ایست از سه جلد کتاب مشتمل بر بیش از ۷۰۰ عکس اصیل تاریخی (۱) از تصویر یا چهره زن در ادوار مختلف تاریخ کهن ایران از ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تا کنون و حاصل بیست سال پژوهشهای ژرف و مستمر و مطالعات محلی و عینی نویسنده درباره زن ایرانی. نویسنده بعنوان استاد تعلیم و تربیت دانشسرای عالی طی بیست سال پژوهش و تدریس به بیش از دهها هزار دختر و پسر دانشجو و معلمان آینده کشور و همچنین بعنوان مؤسس و سرمدیر یکی از زنده‌ترین مجلات پرورشی کشور «سپیده فردا» (۲) که خانواده‌ها و مربیان و فرزندان آنها خوانندگان مؤمن آن بوده‌اند در موقعیتی بوده است که بهترین وجه بتواند این موضوع بکر و اصیل را با دیدگاهی بلند و وسیع پرورشی مورد مذاقه قرار دهد و نقش زن ایرانی و تحولات روانی او را طی تاریخ کهن سال این سرزمین مشخص نماید.

حاصل پژوهشهای ابتکاری نویسنده ابتدا بصورت يك رساله دکترای روانشناسی و علوم تربیتی در سال ۱۹۶۰ با امتیاز عالی در دانشگاه سوربن پاریس بتصویب هیأت داوران آن دانشگاه میرسد و سپس طی یازده سال گذشته جنبه‌های مختلف این پژوهش همچنان بوسیله نویسنده گسترش و تکامل مییابد و برآخذ و مدارك و اطلاعات تازه وبخصوص عکسهای اصیل و نفیس آن افزوده میگردد. (۳)

از اینرو با توجه خاصی که علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران نسبت به اعتلای مقام انسانی زن و مادر ایرانی داشته‌اند این مختصر - بعنوان چکیده‌ای از سه جلد کتاب اصلی - بمنظور آشنائی بیشتر میهمانان و ایرانشناسان جشنهای شاهنشاهی ایران به پژوهش جالبی که درباره نقش زن ایرانی در تمدن و فرهنگ این مرزوبوم انجام گردیده است بچاپ میرسد.

ناشر

(۱) که بیش از ۱۰۰ عدد آن رنگی است.

(۲) فعالیتهای زنده ابتکاری و پرورشی سپیده فردا که درجوار مقالات نظری آن انجام میگرفت (از جمله نخستین «باشگاه بچه‌ها» ۱۳۳۲، «انجمن دختران جوان» ۱۳۳۳ و «انجمن مربیان و اولیا» در سال ۱۳۴۰ بعنوان طرح اهدائی ۳۲۱ یونسکو مورد تأیید و تصویب سازمان فرهنگی و علمی و پرورشی ملل متحد واقع میگردد و عملا اقدامات پرورشی آن از لحاظ بین‌المللی رسمیت مییابد. این مجله که در سال ۱۳۳۲ تأسیس گردید در سال ۱۳۳۶ بعنوان مجله دانشسرای عالی تهران به این مؤسسه عالی تربیت معلم وابسته شد و از سال ۱۳۴۰ بعنوان «مرکز تعلیم و تربیت و تحقیقات درباره زنان ایران» فعالیتهای پژوهشی خود را درباره زن ایرانی ادامه داد.

(۳) درسالهای اخیر باستقبالی که ازطرف انجمن‌های فرهنگی، کنگره‌ها، کنفرانس‌های بین‌المللی (کنگره ایران‌شناسی - کنفرانس اکافه و کمیون مقام زن) ازاین پژوهشها به عمل آمد نمایشگاههایی تحت عنوان:

«تحول روانی زن ایرانی» درتهران وشهرستانها، «تاثیرزنان ایرانی در اقتصاد کشور» «زن ایرانی درگذشته وحال» در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و بالاخره نمایشگاه بزرگ «سیمای زن در ادوار مختلف تاریخ کهن ایران» که به علت استقبال طبقات مختلف به مدت دو ماه در موزه ایران باستان داشت برپا گردید.

این کتاب، زندگی، خصوصیات روانی، طرز فکر و موقعیت روانی و اجتماعی زن ایرانی را هم بعنوان مادر یا نخستین مربی و هم بعنوان همسر و یک عضو مؤثر جامعه - چه در دوران باستانی ایران که از مقام اجتماعی بسیار بلندی برخوردار بوده است و چه پس از یورش عرب و مغول که مقام و موقعیت گذشته او دچار دگرگونی میگردد - با تکیه بر مآخذ و آثار زنده تاریخی مورد مطالعه قرار میدهد و خصوصیات ملی و نقش و تأثیر او را در کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی زمان خود در حد امکان روشن میسازد.

خواننده کتاب از مقایسه زندگی و خصوصیات روانی و پرورشی زن در ایران باستانی با زندگی امروز طبقات مختلف زن ایرانی (که حاصل پژوهشهای بیست سال اخیر در روستاها و شهرهای امروز ایران بوده است) میتواند راههایی تازه برای سعادت واقعی انسان و شکوفائی و امنیت روانی هرچه بیشتر زن و مرد امروز و فردا بدست آورد. راهی که هم با آداب و سنن مطلوب ملی او منطبق باشد و هم با تازه‌ها و مسائل و نیازمندیهای جهان امروز سازگار تا بدین وسیله با حفظ اصالت ملی و تمدنی خود بتواند بعنوان یک همسر خوشبخت و یک مادر و یا پدر شایسته زندگی بارورتر و سالمتری در پیش گیرد.

از نکاتی که در جلد اول این کتاب بخصوص

بر آن تکیه میشود روشن ساختن چگونگی تکوین معتقدات مردم ایران نسبت به زن و نظری است که جامعه ایرانی بر اساس آن مقام و احترام زن و شخصیت و تأثیر و نقش او را بعنوان یک عضو مؤثر جامعه میپذیرد و یا آنرا مردود میسازد و سپس بر مبنای آن رفتار با او را مشخص میسازد.

در این زمینه منابع موجودی را که زمینه‌های اولیه و اساسی این معتقدات را پی‌ریزی کرده است مورد بررسی قرار میدهد و چهره زن ایرانی و نقش و مشخصات و خصوصیات روانی او را در برابر همسر، برادر، پدر، خانواده و اجتماع با ذکر شواهد و مآخذ و عکسهای زنده تاریخی، هویدا میکند.

خواننده با آشنائی به این معتقدات بخصوص در ایران باستانی به رموز و شیوه‌های بسیار ظریف و انسانی زنان آن دوران آشنا میگردد و به علل پیروزیهای آنها - چه در عشق و زندگی مشترک و چه در بدست آوردن مقام و احترام اجتماعی - پی میبرد و بدین وسیله نه تنها از فرهنگ و پرورش بسیار ژرف و انسانی نیاکان این مرز و بوم باخبر میشود بلکه راهها و روشناییهایی برای حل مسائل و مشکلات زندگی امروز و فردای مشترک خود مییابد و میتواند آنرا به دختران و یا فرزندان خود منتقل سازد.

شناخت این فرهنگ بارور و مأنوس با اندیشه ایرانی که از نیاکان ما بما رسیده است نه تنها با خصوصیات ملی و روانی خواننده ایرانی سازگار می‌باشد و از عهده درك و فهم و آموختن آن به مراتب بهتر بر خواهد آمد بلکه به عنوان پشتوانه‌ای استوار، از لحاظ امنیت روانی و اتکاء به نفس اونیز میتواند اثراتی بسیار مطلوب دربر داشته باشد.

در جلد دوم کتاب شرکت بیسابقه و مؤثر زن ایرانی را در مبارزات مشروطه طلبی و انقلاب سفید ایران بر می‌شمارد و نشان می‌دهد چگونه زن ایرانی از يك دوران طولانی فترت و خمودی (۱) خارج می‌شود و عکس‌العمل رنجها و محدودیتهای این سالها را همراه با آرمانهای نهفته خویش در این فرصت تحقق می‌بخشد.

در این دوران زنان ایرانی آنچنان با ایمان و اراده و بینش گام بر میدارند که شوستر درباره آنها می‌گوید: «کراراً و در موقعیتهای مختلف اثر اراده و ایمان عالی و بینش زنان مسلمان ایرانی را به چشم خود رؤیت کردم» و در جای دیگر می‌گوید: «ما اروپائیان و امریکائیان در شگفت می‌مانیم که چگونه کشوری که طی قرون متمادی در تاریکی و خاموشی استبداد پیچیده شده بود اینچنین با درخشش و بینش و استحکام و اعتقاد در تجدید زندگانی سیاسی خود گام برمی‌دارد.

این درخشش و بینش هنگامی عملاً تحقق می‌یابد که بسال ۱۳۴۱ با انقلاب سفید شاه و مردم در قانون اساسی ایران تجدید نظر می‌شود و زن ایرانی بعنوان نیمی از نیروی فعال انسانی کشور قانوناً حق شرکت در سرنوشت کشور خود را به دست می‌آورد:



(۱) پس از یورش عرب و مغول.

از این تاریخ کوشش های مقدماتی زنان بزرگ صدر مشروطیت که در محیطی نامساعد و گاه ناممکن می‌خواستند از راه بیداری زنان به وسیله انتشار مجله و سخنرانی‌ها و تأسیس مدارس دخترانه و با تشکیل انجمن‌های زنان و کنفرانسهای بین‌المللی در تثبیت شخصیت زن ایرانی گام بردارند در محیطی مساعد و آماده و با وسعت و سرعت و اتکاء بیشتری به مرحله اجرا در می‌آید و زن ایرانی در کلیه فعالیتها و مشاغل علمی - اجتماعی - سیاسی - هنری و غیره رسماً و قانوناً با تکیه بر منشور انقلاب سفید ایران شرکت می‌جوید.

شرکت زنان ایرانی در فعالیتهای علمی و اجتماعی چنانکه از ارقام آماری برمی‌آید در سالهای اخیر آنچنان قابل ملاحظه بوده است که باعث شگفتی مغرب زمینان اهل نظر است.

در جلد سوم این کتاب ابتدا فصلی به تحول تعلیم و تربیت در ایران اختصاص یافته است و سپس نویسنده به پژوهشها و بررسی‌های زنده اجتماعی در باره طبقات مختلف زنان امروز ایرانی و خصوصیات روانی و اجتماعی آنها پرداخته است تا ضمن آگاهی از شرایط ملی، اجتماعی، روانی و پرورشی آنها مسائل زندگی مشترك زنان ایرانی را مورد مطالعه قرار دهد و معلوم گرداند با توجه به نیازمندیها و مسائل مربوط به زمان یا قرنی که در آن زندگی می‌کنند رازهای موفقیت در زندگی مشترك مرهون چه خصوصیات خلقی، زمینه‌های تمدنی و فرهنگی، امکانات تحصیلی و علمی و یا رشد و بلوغ عاطفی و پرورشی زن و مرد است تا به یاری همان زمینه‌ها بتوان راهها و روشنائی-هائی برای سعادت انسانها و جامعه انسانی بدست آورد.

زن در معتقدات باستانی ایرانیان

چگونگی خلقت انسان

«در روز سوم مرگ متوفی - پاکدین - دختری زیبا بر او نازل میشود و روح او را قرین آرامش میسازد . - پاکدین - حیرت زده از او میپرسد : ای زیباترین و خوش اندامترین دختران دنیا تو کیستی ؟ دخترک بدو پاسخ میدهد : من وجدان پاک تو و خود تو هستم ...»

آفرینش نخستین زن و مرد جهان در آئین زرتشت ریشه گیاهی داشته است (۱) . در این داستان زیبایی خلقت یا پیدایش انسان چند نکته اساسی بچشم میخورد :

«و در روز سوم مرگ متوفی - ناپاک - و بدکردار - عجزه‌ای وحشتناک بر وی نازل میشود و او را بلرزه میاندازد. متوفی وحشت زده میرسد تو کیستی ای عجزه ؟ و عجزه بدو پاسخ میدهد: منم وجدان تو و خود تو ...»

- همانند بودن زن و مرد در آفرینش
- اهورامزدا آنها را پاک و رسا میآفریند تا پارسائی و داد بکار بندند .
- نخستین اندیشه آنها «فراهم آوردن خشنودی و دوستی یکدیگر است .»

در تاریخ کهن ایران زنان ایرانی نه تنها بدین لحاظ قابل توجهند که همراه با مردهای این سرزمین به پادشاهی و مقامات بسیار بلند اجتماعی و سیاسی میرسیدند بلکه از این لحاظ قابل توجهند که بعنوان مادران و همسران به تمام معنا شایسته و انسانهای تکامل یافته‌ای توانسته‌اند با مهر و دانش و خرد و گذشت و بلنداندیشی و وفای خویش مؤثرترین نقشها را در خانواده‌ها یا واحدهای اجتماع زمان خود و بخصوص در خط مشی سیاسی و اجتماعی زندگی همسران و برادران و پدران خویش ایفا کنند و در نقش اصیل يك زن ایرانی کشور خویش را سربلند سازند و برای نسلهای آینده نیز سرمشق باشند .

- نخستین سخنان آنان ستایش و سپاس اهورامزدا آفریدگار هر آنچه از ریشه و بنیاد راستی است .
- نخستین کردار آنها «شستشو و پاکیزگی جسم و روان خویشان» است .

و براین بنیاد پرورشی است که گفته گزنوفون در کتاب سیروپدی (۲) صادق افتد که میگوید : چنانکه در یونان باستان اطفال را برای فراگرفتن ادبیات بمکتب میفرستادند اطفال ایرانی را برای آموختن مراسم عدل و انصاف بمکتب میفرستادند .

سرانجام آفرینش انسان در آئین زرتشت

فداکاریهای این زنان ، آزادگی آنها ، دانش و خرد آنها، هنر مهرورزی و دلدادگی بی‌همتا و بی‌آلایش

در سرانجام آفرینش انسان نیز بازهم زن نقشی اساسی ایفا میکند :

(۱) رجوع شود به متن اصلی داستان در جلد اول کتاب Xenophone, Cyropedia (2)

(زن دیگری را فریب مده تا مبدا که روانت
گناهکار گردد).

زرتشت از زن شوهرداری که مرتکب خطا شود
و از مردیکه دختران را بفریبد و آنها را رها کند گله
میکند.

زن در تعالیم اسلامی

در تعالیم اسلامی نیز که بمنزله انقلابی اساسی
در زمینه وضع اسفار زن عرب در دوران جاهلیت
بشمار میرفت ابتدا کشتن وزنده بگور کردن دختران
که در میان اعراب رایج بود با قاطعیت هرچه تمامتر
منع میشود. روایت است که پیامبر اسلام دست دختر
خود فاطمه زهرا را میسوسیده است و این توجه و
احترام بخاطر آنکه سرمشقی زنده بر تعالیم قرآن و
برای همسران و پدران و برادران عرب باشد:

(بین شما آنکسی که زن خود را محترمتر میدارد
و با او با انسانیت بیشتر و محبت بیشتری رفتار میکند
 نزد خدا اجر بیشتری دارد.)

«ای خلائق بدانید که زنان شما هدایائی هستند
که خداوند در دست شما بارمغان نهاده است» «و از
آیات او (خدا) اینست که «از خود شما زنی آفرید که
با او آرام گیرید و میان شما رحمت و مهربانی برقرار
کرد» (۲). نکته بسیار قابل توجه اینکه در ضمن
تعریف ازدواج موقعیت اجتماعی و همسنگی و همسری
با مرد را تصریح میکند. تعریفی که در قرآن درباره
ازدواج میشود مودت و رحمت از همسر و همقدری

رجوع شود به اندرز آذریاد مهر اسپندان .
(۲) «ومن آیاته ان خلق لکم من انفسکم لیسکنوا
لیها و جعل بینکم مودة و رحمة»

آنها ، شخصیت و اتکاء بنفس و قدرت فکری و دلاوری
آنها ، همه و همه حکایت از ریشه های بسیار عمیق
تمدنی ، فرهنگی و پرورشی میکنند که ارکان و مایه -
های اولیه عظمت تمدن ایران باستانی را تشکیل
میدهد .

زن و خانواده

نیاکان ایرانی . زن را از نیکیها و نعمتهای جهان
میشمردند . به طبیعت و سرشت پاک زن ، به دودمان
و گهر زن و به دانش و خرد وی توجه بسیار میکردند:

(زن نیک خوی و فرزانه و نیکوتر و شرمگین را
دوستبدار و بزنی خواه) (۱)
و درباره دامادان چنین اندرز میدادند :

(مرد خوش باطن ، خوب خیم ، زیرک و دانا و
کارآگاه را به دامادی برگزین . اگر درویش باشد عیب
نیست ، چه دانا مرد چون زمین نیک است و تخمی که
در آن افکنند بار نیکو آورد.)

انتخاب همسر و پیوند زندگی بعنوان

مقدسترین کردار پارسائی

زرتشت خطاب به دختر خود پوروچیستا میگوید:
«اینک توای پوروچیستا از دودمان سپنتمان ،
زرتشت با منش پاک و راستی خود و بیاری مزدا اهورا
از برای تو جاماسب را که یاور دینداران است
برگزید . اکنون برو و با خردت مشورت کن . با اندیشه
پاک مقدسترین کردار پارسائی را بجای آر.»

زرتشت به گزیدن زن دانا و فرزانه اندرز میدهد
و تناسب میان زن و مرد را برای حفظ دودمان و عدم
پراکندگی قابل توجه میداند . به کنش ، خوی ، گوهر ،
و بخت در زندگی زناشوئی اهمیت میدهد .

(۱) نیاکان ما به حمایت و پاسداری زن بسیار
میکوشیدند و بدان اندرز میدادند :
«به زنان گستاخ مباشید تا به شرم و پشیمانی
نرسید.»

طرفین عقد و صمیمیت مخلصانه بین آن دو را تأیید میکند.

روایت است که یکی از اصحاب پیامبر میگوید: «بعد از ایمان برای بنده خدا چیزی بهتر از يك زن صالحه نیست.»

«خوشرفتاری کنید با زنان خود». «کریم آنکسی است که به زنان احترام و کرم کند و لنیم آنکسی که به او اهانت نماید.» (۲)

(۲) ما اکرم النساء الا کریم وما اهانهن الا لنیم. پیامبر برای پرورش فرزندان با انتخاب مادر خوب اندرز میدهد و در ازدواج سلامت روح و جسم زنها مورد توجه قرار میدهد و میفرماید: «در زن و خانواده او در درجه اول تقوا و شرف اخلاقی را جستجو کنید و سپس مواظبت کنید زن ناقص الخلقه و گرفتار امراض علاج ناپذیر نباشد.»

«اگر انسان از نطفه پاک و سالم در رحم طاهر و متقی بوجود آمد و از خون مادر پارسا و شریف تغذیه کرد روح او سعید و زکی و در غیر این صورت شقی خواهد شد.»

«هنگامیکه زن آبستن است و تا مدتیکه طفل شیرخوار است مبادا که بمادر یا دایه تندی و اهانت کنید.»

«اکمل المؤمنین ایمانا احسنهم خلقا و الطفهم باهله. خیارکم خیارکم لنسائه استوصوا بالنساء خیرا.»

«کاملترین مؤمنان از نظر ایمان کسیست که خوی و اخلاق وی بهتر از همه و نسبت به زن خوش نرم خوی تر باشد. بهترین شما کسیست که با زنان خویش نیکوکارتر است.»

«با زنان به نیکی مدارا کنید و بیاری آنها بشتابید.»



تساوی حقوق و دستمزد زن و مرد

از سنگ نبشته‌های ۳۰۰۰ لوحه‌ای که ازدوران ساختمان تخت جمشید (۱) کشف شده است چنین برمی‌آید که کارگران مرد و زن و دختر و پسر خردسال در ساختمان تخت جمشید شرکت داشته‌اند و هر یک مبلغی در برابر کار خود دریافت می‌داشته‌اند.

جالب اینکه نبشته یکی از لوحه‌ها عبارت بوده است از ۲۷ کارگر مرد ۲۷ کارگر زن و ۲۳ کارگر دختر و پسر جوان که برحسب نوع کار انجام شده

بدون هیچگونه تبعیض و یا امتیازی از لحاظ دینی - نژادی و یا جنسیت بدانها حقوق مساوی با مردها پرداخت شده است. (۲)

زن در آثار باستانی ایران

در بسیاری از آثار باستانی ایران ۳۰۰۰ سال پیش از مسیح نقشا و تصاویری از الهه‌های زن دیده میشود که حکایت از دوران مادر شاهی و مقام روحانیت و اولوهیت زن در آن دوران میکند. از میان این نقشا میتوان از آناهیتا خدای یا ایزد باروری و

۲ - واحد پول آن زمان بنام کارشا Karsha به وزن ۸۳ گرام و از نقره بوده است که به کارگران مصری - بابلی - یونانی و غیره بدون تبعیض و برحسب نوع کار هر یک بتساوی پرداخت میشده.

۱ - ۳۳۰ - ۶۶۸ پیش از مسیح که ترجمه آنها بوسیله آقای ژرژ کامرون George Cameron از دانشگاه میشیگان انجام گرفته است. گردآوری آقایان احمدعلی بهرامی و فواد روحانی بسال ۱۳۳۵.

خردمندی و شرم نزدیک تو است
جهان ایمن از رای باریک تو است
و در جای دیگر میگوید :

پس پرده نامور پهلوان
یکی خواهرش بود روشن روان
خردمند را گردیه نام بود
پریرخ دلارام بهرام بود
همی گفت هرکس که این نیکزن
چه نیکو سخن گفت برانجمن

و گردیه که میگوید :

اگر من زنم پند مردان دهم
نه بسیار سال از برادر کهم

همین زن «پاک سرشت» و «روشن روان» در
جای دیگر به طورک نماینده خاقان چین که در جنگ
بدست گردیه شکست میخورد چنین میگوید :

بدو گفت بهرام را دیده‌ای
سواری و رزمش پسندیده‌ای
کنون من ترا آزمایش کنم
یکی سوی رزمت گرایش کنم

چنانکه می‌بینیم صفات «خردمندی» و «دلیری
و پهلوانی» را فردوسی همدیف با «زیبائی» و «دلارائی»
زنان قهرمان کتاب خود می‌آورد و این توجه از خطوط
برجسته دیدگاه نویسنده درباره خصوصیات روانی و
مقام زن ایرانی در دوره‌های باستانی ما است .

گردیه و گردآفرید همانند رستم و سهراب تنها
زورمند و جنگاور نیستند. بلکه «روشن روان» و
«رایزن» و «پاک گوهرند». با زشتیها و نامردیها در
می‌آوریزند ، با بیدادگریها مبارزه میکنند و بیاری
مستمندان برمیخیزند .

عشق که وصف زیبایی بی‌همتای او بتفصیل در اوستا
آمده است یاد کرد . همچنین از حفاریهائیکه بدست
آمده است چنین برمی‌آید که از چهار هزار سال پیش
از مسیح زنان بکار نساجی و ساختن ظروف گلی و
بافندگی میپرداختند و هم خود را وقف آسایش و
صفا و گرمی خانه و خانواده خویش میکردند و برقصی
که در آن زمان هنری غریزی و نوعی عبادت بشمار
میرفته همت می‌نمودند . این رقصها گاه نیز دسته جمعی
و بامرد ها همراه بوده است .

در آثار باستانی ایران این حقیقت بیش از پیش
آشکار میشود که زن در ایران باستانی مظهر حیات
و آفرینش بوده است و مجسمه‌های موجود در تپه -
های ماقبل تاریخ این موقعیت استثنائی را تأیید
میکند .

نقش زن در تاریخ و ادبیات ایران

زن ایرانی در کلیه شئون زندگی خانوادگی و
اجتماعی ایران اثر و نقشی مستقیم داشته است .
همانطوریکه مرد در میدان جنگ و در مجالس بحث و
اظهار نظر شرکت میکند زن نیز شرکت میکند و اظهار
نظرهای او نافذ و مؤثر و مقبول است . همانطوریکه
مرد حکومت میکند زن نیز حکومت میکند لیکن
نکته مهم آنکه زن ایرانی در حین هم‌ارزش بودن با
مرد چه از لحاظ اجتماعی و چه از لحاظ روانی
خصوصیات اصیل و طبیعی زنانه خود و ظرافت و لطف
و زیبایی جسمی و روحی خود را هرگز فراموش
نمیکند و در حین رسیدن به مقامات حساس و بلند
اجتماعی همیشه و همچنان زنی واقعی و کامل میباشد.

فردوسی شاعر ملی حماسی ایران میگوید :
به قیدافه گو ای هشیوار زن
جهاندار و بینادل و رای زن

مادری ، دلدادگی ، همسری زنان شاهنامه

هما این پادشاه زن که پس از مرگ پدر مردم
او را بیادشاهی برمیگزینند و فردوسی درباره او
میگوید :

به رای و به داد از پدر درگذشت
همه گیتی از دادش آباد گشت

حتی آنجا که عشق به مقام و پیروزی پرده‌ای از
غرور و بی‌خبری برچشم او میافکند بازهم احساسات
مادری پرده‌ها را میدرد و هما از گذشته پوشش
میخواهد و تاج را میبوسد و برتارک فرزند خود
مینهد .

جریره زن سیاوش و دختر پیران نیز چون تاب
دیدن مرگ فرزند ندارد گنجهای دژ به آتش میسوزاند
و آنگاه :

دو رخ را بروی پسر برنهاد
شکم بردرید و برش جان بداد

این چنین هستند بسیاری دیگر از زنان شاهنامه
از آنجمله تهینه مادر رستم، این زن آزاده و بی‌پروا
که همانند همه زندهای شاهنامه در عشق و دلدادگی
خود قاطع و مصمم و راسخ است .

در همسری نیز رودابه ، دختری که بسیاری از
شاهزادگان و بزرگان خواستارش بودند آنزمان که
به زال سپید موی دل می‌بندد ، شیفته‌ترین و پرشور-
ترین دلباختگان است و آنزمان که با وی سوگند
عشق و وفاداری میخورد وفادارترین زنان می‌گردد :

روان مرا پور سام است جفت
چرا آشکارا بیاید نهفت
بر او مهربانم نه از روی و موی
به سوی هنر گشتمش مهرجوی

رودابه بعنوان نمونه‌ای از آزادگی زنان باستانی
ایران ، زنانی که بحق میتوان گفت به بلوغ عاطفی
رسیده بودند ، مهر خود را پنهان نمی‌سازد ، با همه
موانع می‌جنگد تا به همسری که با او همراز و همراه
و هم‌پیمان است برسد :

نه قیصر بخواهم نه خاقان چین
نه از تاجداران ایران زمین

رودابه تا لحظات آخر زندگی همچنان پیوند
خود را با وفاداری و گذشت و پایداری حفظ میکند
و همچنان زنی با وفا ، معشوقی دلبر و همسر و مادری
شایسته و دلسوز میماند .

این آزادگی و اراده و این بینش و مهارت در
عشق و دلدادگی را تنها در رودابه نمی‌یابیم بلکه در
فرنگیس ، شیرین ، منیژه ، کتایون ، گردیه و تهینه
نیز می‌یابیم .

از اینرو است که باین حقیقت تاریخی باید اذعان
کنیم که زنان باستانی ما همانند مردان آن دوره از
تاریخ ما از پرورشی ژرف و استوار و سالم برخوردار
بوده‌اند .

زن ایرانی پس از حمله عرب و مغول

با وجودیکه تعالیم اسلامی در باره زنان حکایت
از توجه خاص پیامبر اسلام به حقوق و مقام زن و
اهمیت نقش و تأثیر پرورشی وی بعنوان مادر یامربی
میکند لیکن پس از حمله عرب و مغول زن ایرانی
دیگر بمانند دوران باستانی با آن همه آزادگی و
قدرت تأثیر دیده نمیشود .

هرچند در صدر اسلام نیز زنان بزرگی مانند
حضرت فاطمه زهرا و حضرت زینب را ملاحظه میکنیم

که با خطابه‌های مستدل و منطقی خود در مجامع عمومی و بین‌المللی، دانش و توانایی فکری و روحی خود را عملاً با ثبات میرسانند و باعث اعجاب بیگانگان میگردند و همین حقیقت بار دیگر تأثیر و حاصل تعالیم پیامبر اسلام را که میگوید: «کسب‌علم و دانش بر هر زن و مرد مسلمان بعنوان یک فریضه دینی از واجبات است.» تأیید میکند لیکن در عمل گویی دوران فترت زن ایرانی آغاز میشود و در هیچیک از آثاری که پس از این تاریخ بدست نویسندگان و شعرای نامی ایران پرداخته شده است دیگر نه سخنی از آنهمه دلاوریها و آزادگی زنان دوران پیش از اسلام در میان است و نه آنهمه رای و خرد و مهارت و نفوذ آنها و نه شرکت مستقیم و مؤثر آنها در امور اجتماعی. آیا دلیل این فترت را در این جمله ابوریحان بیرونی باید جستجو کرد که میگوید:

«کتابهای ما حتی اوستا نیز از آسیب زمان و گزند دشمنان مصون نماند و امروز فقط اوستای عهد

ساسانیان را در دست داریم یعنی از ۳۰ نساك فقط ۱۲ نساك که يك خمس اوستای اصلی یا ۸۳۰۰۰ کلمه باشد باقیمانده و بقیه از میان رفته است.» (۱)

یا آنکه در حالت روحی يك ملت دردمند و متأثری باید جستجو کرد که میکوشد با فرهنگ و معنویت و قدرت روحی خود شکستهای نظامی را جبران کند؟

گرچه تمدن و فرهنگ بارور ایران در قرنهای اول هجری بیکباره تشکیلات دولت امویان و عباسیان را تحت تأثیر قرار میدهد لیکن پس از حمله مغول (۲) زن ایرانی در تاریکی افکار تنگ و پرتعصب حکومتهای وقت فرو میرود و با وجود روشنائیهای مختصری در قرن چهارم (۳) و سپس در زمان شاه عباس کبیر و نادر شاه افشار لیکن این تاریکی تا آغاز این قرن همچنان بر زندگی زن ایرانی سایه میافکند.

دوران ظهور میکنند که با قدرت فکری و قلمی خود شکستهای نظامی را جبران میکنند و بار دیگر عظمت تمدنی و فرهنگی این سرزمین را احیا میسازند.
(۳) حکومت مجدالدوله دیلمی

(۱) ترجمه آثار الباقیه ابوریحان بیرونی صفحه

(۳) ساقط کتاب از فصل متنبنین صفحه ۲۲۵ - ۲۴۰

(۲) گرچه سخنوران و شعرای بزرگی در این

جنبش زنان ایران از آغاز مشروطیت

تا انقلاب سفید

جلد دوم

چشمهای مستور آنها شراره غضب آشکار بود و تا تحصیل آزادی این زنان با منتهای کوشش رسوم کهنه را که از قرنهای پیش در ایران معمول بود به کنار زدند.

«کراراً و در موقعیتهای مختلف اثر اراده و ایمان عالی و بینش زنان مسلمان را بچشم خود رؤیت کردم».

«ما که اروپائی و امریکائی هستیم و به شرکت زنان مغرب زمین در امور اجتماعی عادت کرده‌ایم در برابر این زنان شجاع پرده نشین که در عین حال شرم مشرق زمینیان را حفظ کرده‌اند و در فاصله کوتاهی استادانه به مدیریت روزنامه و تأسیس باشگاه زنان و سخنوری در مضامین سیاسی رسیده‌اند و با تسلط و قدرت افکار بلند مغرب زمینیان را اشاعه میدهند در شگفت می‌مانیم که چگونه مملکتی که از قرون متبادی در تاریکی و خاموشی استبداد پیچیده شده این چنین بادرخشش و بینش و استحکام و اعتقاد در تجدید زندگانی سیاسی خود گام برمیدارد.»

«زنان ایرانی نمونه مشعشی از لیاقت هستند و دل‌های پاکیزه آنها در پذیرفتن افکار تازه با تهور آماده است.»

«بنابراین آیا نباید اعلام کرد که درود و احترام بی‌پایان به زنان روبرسته ایران . با وجودیکه سنتهای پوسیده گذشته حصارهای غیرقابل نفوذ گرداگرد آنان را گردن‌بندها و گوشواره‌ها و انگشترهای خود را به‌مراه آوردند و بانک پول را تأسیس کردند.

در نهضت مشروطیت ایران که میتوان آنرا از پیرامنه‌ترین جنبشهای تاریخ کشور ما بشمار آورد شرکت بیسابقه و مؤثر زنان ایرانی در مبارزات مشروطه طلبی فوق‌العاده قابل ملاحظه است . گوئی از این تاریخ زن ایرانی از یک دوران طولانی فترت و خمودی خارج میشود و عکس‌العمل رنجها و محدودیتهای گذشته را همراه با آمال و آرمانهای نهفته خویش بیکباره در این فرصت تحقق میبخشد .

زنان ایرانی بخاطر حفظ تمامیت و استقلال کشور خود پایای مردان و وطنخواه با آزادی خواهان همصدا و همگام میگردند و از هرگونه جانبازی و از خود - گذستگی دریغ نمیکنند (۱) و سرانجام نیز به پیروزی - های بزرگی دست می‌یابند .

در این زمینه شوستر در کتاب تاریخی خود بنام «اختناق ایران» مینویسد :

«زنان ایران از ۱۹۰۷ بیک جنبش بسیار مترقی دست زدند . این زنان که بحق از ترقی یافتگان عالم باید شمرده شوند بر تصورات باطل قرنهای گذشته خط بطلان کشیدند . در حالیکه از یکسو شدیداً تحت فشار سنتهای رایج محیط و از سوی دیگر مظالم سیاسی وقت بودند در مقابله با این فشارها از مغرب زمینیان پیشی گرفتند . پس از پنجسال یعنی پس از انقلابی که بدون خونریزی در سال ۱۹۰۶ در آن پیروز گشتند هنوز در اثر مظالم مظفرالدین‌شاه قاجار از

۱ - بخاطر آنکه دولت از خارجی قرض نکند زنان ایرانی همراه با سایر مردم برای ایجاد بانک پول

گرفته بود. با وجودیکه عاری از استقلال اجتماعی و فکری بودند و با وجودیکه زندگی آنها یکباره بستگی به هوا و هوسهای مردداشت و از هرگونه امکاناتی برای کسب علم و پرورش خویشتن محروم بودند لیکن با همه محدودیتها و سرکوبیهای جامعه همچنان جرعه شراب آزادی را تا پایان نوشیده بودند و عشق سرشار خدمت به مردم میهن زندگی روزمره آنها را سیراب کرده بود و روزی نبود که کمک آنها در خدمت به کشورشان مشهود نگردد. اینان به خدمتگذاران واقعی کشور بادیده و احساس یک مادر واقعی مینگریستند و به آنها تیکه در ساعتی غم آلود محبس نیروهای خود را بتدریج از دست میدادند مدد فکری میرساندند.»

«زنان ایرانی سرانجام پاسخ خود را دادند. سیصد تن از همین «جنس ضعیف» از خانه‌ها و حرمرهای خود با فروختگی بشره که از عزم راسخ آنها خبر میداد بدر آمدند و در حالیکه در چادرهای سیاه و نقابهای مشبک سفید (چادر و روبنده) مستور بودند بسوی مجلس حرکت نظامی می کردند..... . این زنان از رئیس مجلس خواهش کردند که به آنها اجازه ورود دهد. رئیس مجلس بملاقات نمایندگان آنها راضی شد لیکن مادران و همسران و دختران محجوب ایرانی نقابها را به عقب زدند و.....

..... با اراده و عزم راسخ و قاطع خود از وکلای مجلس مجدانه درخواست کردند که در انجام فرائض خود و حفظ شرافت ملت ایران تردید ننمایند.»

«و این چنین بود که مجلس از آرایش فروختن حقوق وطنی خود مبرا گردید.» (۱)

«آیا با اینحال سزاوار نیست به آواز بلند

اعلام گردد عزت زنان نقاب پوش ایرانی پاینده باد.»

صدر مشروطیت ایران شاهد زنان بزرگی است که با نبودن هیچ گونه امکانات اجتماعی با تهور و ایمان و پشتکار و اعتماد به نفس سنن خرافاتی را بکنار زدند و در بیداری و بالا بردن سطح دانش و بینش سایر مادران و زنان و دختران ایرانی جهاد کردند و با اقدامات مؤثر خود از راه:

۱- نشر روزنامه و مجله.

۲- افتتاح مدارس دخترانه و کلاسهای مخصوص

۳- تشکیل جلسات سخنرانی و ایجاد جمعیت‌های زنان.

۴- پیشنهادهای اساسی به دولت و مجلس.

۵- تشکیل کنگره‌های بین‌المللی.

زنان مسلمان توانستند به نتایج بسیار ثمربخشی برسند.

این زنان با تشکیل جمعیت‌هایی که ۶۰ سال پیش بیش از ۵۰۰۰ عضو زن داشت و همچنین با تأسیس اولین مدارس دخترانه در ایران و فعالیتهای شبانه‌روز خود قوانینی به نفع پیشرفت زنان و دختران از مجلس گذراندند و با موانعی که گاه به‌ضرب و جرح و حبس و سوء قصد آنها نیز منجر می‌شد و ناشی از افکار تنگ و کوتاهی بود که در جامعه ایران آن زمان حکمفرما بود سرانجام به بسیاری از پیروزیهای مطلوب و مورد نظر خود دست یافتند.

از آن جمله است قوانینی که درباره سن ازدواج، معاینه طبی زن و مرد قبل از ازدواج و پیشنهاد فرستادن

دختران دانشجو همراه با پسران دانشجو به اروپا برای تحصیل از مجلس گذشت .

سوء اخلاقی در بینندگان بجا گذارد .
۵ - زبان ملی باید در مدارس خارجی تدریس گردد .

زندگانی زنان بزرگ ایندوران و همچنین فعالیتهای آنها به تفصیل در جلد دوم این کتاب آمده است .

۶ - حداکثر کوشش برای پیشرفت و تثبیت وضع اقتصادی زنان بعمل آید .

۷ - حفظ سنن سالم و پرارزش گذشته و حال و پیش گیری از انحرافات زنان .

در سال ۱۳۱۴ از وقایع جالبی که می توان برشمرد تشکیل دومین کنگره زنان مسلمان در تهران است که تصویب نامه ها و مباحث آن هم اکنون نیز قابل اجرا است و در صورتیکه کلیه مواد آن به مرحله اجرا گذاشته میشد راههای بیشتری برای پیشرفت زنان ایران میگشود .

۸ - از مهمترین مسائل اجتماعی ازدواج است که بخصوص باید مورد توجه خاص این کنگره واقع گردد :

همچنین در هفده دیماه همین سال است که بدستور رضاشاه کبیر زنان ایرانی چادرها را بر - میدارند و بتدریج از جهل و نادانی خارج میگرددند .

الف - زن و مرد قبل از ازدواج یکدیگر را بشناسند و صفات و خصوصیات اخلاقی یکدیگر را بازمایش گذارده باشند و قبل از آنکه بمیدان زندگی بیایند یکدیگر را از هر لحاظ تأیید کنند .

خلاصه تصویب نامه نخستین کنگره زنان مسلمان به سال ۱۳۱۴ (۱)

ب - طلاق باید برحسب قوانین مدنی انجام گردد زیرا بنا بمقررات مذهب اسلام طلاق بسادگی از طرف مرد انجام پذیر نیست .

۱ - زن و مرد دو موجود همسر و همردیف هستند . در هر چیزی تساوی دارند زیرا قوانین الهی نیز تفاوتی بین آنها قائل نشده است .

ج - تعدد زوجات باید محدود گردد و قانونی برای آن وضع شود .

۲ - حقوق و مزایای زن و مرد در برابر یک نوع کاریکسان باشد .

د - مقررات ارث در مورد دختران و زنان هم ردیف با مردان در نظر گرفته شود .

۳ - تحصیلات ابتدائی دختران باید اجباری باشد .

مهمترین اقداماتی که برای پیشرفت

زنان ایرانی طی چهل سال اخیر انجام گرفت:

۴ - دولت مراقبت کاملی در مورد نمایش فیلمها و تئاترها بنماید تا مبادا نمایش فیلمهای ناسالم تأثیر

الف - گشودن دانشسرای عالی و دانشگاه به روی زنان و دختران بسال ۱۳۱۳

(۱) از جزوه مباحث و تصویب نامه کنگره زنان مسلمان بزبان فرانسه ترجمه هانری مانسه بسال ۱۹۳۵ میلادی .

ب - مبارزه با بیسوادی .

ج - انقلاب سفید ایران ، اهداء حقوق سياسي زنان و شرکت دادن آنها در کليه شئون مملکت .

الف - گشودن دانشگاه به روی دختران

و زنان .

در سال ۱۳۱۳ به دستور اعلیحضرت رضاشاه کبير در دارالمعلمات (دانشسرای عالی) به روی زنان ایران نیز گشوده شد و این اقدام را می توان یکی از مهمترین عوامل پیشرفت حقیقی زنان ایران دانست زیرا از آن هنگام زنان ایرانی همراه با مردها به تحصیل رشته های عالی پرداختند و از روشنائی های دانش برخوردار شدند و پس از خاتمه تحصیلات همراه و همردیف با مردها از دانش و استعداد خود در خدمت به سعادت خانواده و جامعه بهره بردند . تعداد نخستین زنان فارغ التحصیل که موفق به دریافت لیسانس شدند در سال ۱۳۱۷ بالغ بر ۱۲ نفر می گشت.

از آن تاریخ تاکنون بنا بر آماري که به دست آمده بر تعداد مؤسسات عالی آموزشی ۷۴ برابر و دختران دانشجوی فارغ التحصیل به نسبت ۳۱۵ برابر افزوده شده است . گروه زیادی از دانشجویان دختر به رشته های مختلف دروس دانشکده ها روی آوردند و در اکثر دانشکده ها با رتبه های اول فارغ التحصیل گشتند . (۱)

ب - مبارزه با بیسوادی .

در سال ۱۳۲۳ که قانون تعلیمات اجباری در سراسر کشور بتصویب رسید و طی آن مقرر گشت پس از ده سال در سراسر ایران بیسوادی وجود نداشته باشد باز در بزرگ دیگری بروی پیشرفت تعلیم و تربیت ملت ایران و زنان و دختران ایرانی گشوده شد.

این قانون از سال ۱۳۳۷ یعنی پس از چهارده سال مجدداً دنبال گردید لیکن سرانجام در ششم بهمن ماه

(۱) از سخنرانی مهري راسخ در دانشکده ادبیات شهریور ۱۳۵۰

۱۳۴۱ با صدور فرمان سپاه دانش ، اندیشه مبارزه با بیسوادی بصورتی اصولی و با جهشی بیسابقه بمرحله اجرا درآمد . بدنبال این فرمان دیپلمه های کشور بجای خدمت نظام به خدمت سپاه دانش دعوت شدند تا در سواد آموزی به هموطنان خود و بهبود و سازندگی و رفاه زندگی آنها در روستاها و دهات ایران یاری کنند .

این اقدام را که بخصوص مورد توجه جهانیان واقع گردید میتوان یکی از مهمترین گامها برای گسترش و پیشرفت آموزش و پرورش در میان مردم ایران و بخصوص اکثریت زنان ایرانی بشمار آورد . گامی که بیشك در آینده با آگاهی دختران و زنان روستائی و شرکت بیشتر آنها در این کلاسها اثرات آن مشهودتر خواهد گشت .

ج - انقلاب سفید ایران و برابری حقوق

اجتماعی زن و مرد ایرانی

در روز هشتم اسفند ماه ۱۳۴۱ پس از اصلاح قانون اساسی در باره حقوق زنان ایران و شرکت دادن نیمی از نیروی فعال کشور در سرنوشت اجتماعی و سیاسی مملکت فصل تازه ای در زندگی و پیشرفت زنان ایرانی گشوده شد و این اقدام برای توجه بیشتر زنان به مسؤلیت خطیری که هم به عنوان مادر و زن و هم به عنوان يك فرد مؤثر جامعه برعهده آنها سپرده شده بود سرآغاز بزرگی محسوب گردید .

بهمان نسبت که وظائف و مسؤلیتهای طبیعی و اجتماعی آنها افزون شد به همان نسبت نیز امکان استفاده از نیروهای فکری و انسانی نیمی از جمعیت کشور فراهم گشت .

بدنبال این اقدام از چند واقعه مهم دیگر دوران انقلاب در راه اعتلای مقام زن یا مادر ایرانی که بتدریج راههای تازه‌ای برای تثبیت شخصیت و رشد فکری و پیشرفت زن ایرانی گشود نام میبریم :

الف- نیابت سلطنت شهبانوی ایران بسال ۱۳۴۶.

ب - تصویب قانون حمایت خانواده در سال

۱۳۴۷ .

ج - سپاه دانش دختران بسال ۱۳۴۸ .

د - فعالیتهای سازمان زنان ایران .

اجتماع و پیشرفتهای اجتماعی آنها تنها نمیتواند ضامن تکامل و رشد و شکوفائی و سعادت واقعی آنها باشد و این امر مستلزم آموزش و پرورشی صحیح و اصیل و مداوم و همه جانبه زنان و مردهای جامعه ایرانی خواهد بود لیکن روشنائیهای حاصل از دانش واقعی و کار منطبق با استعداد افراد میتواند این اصل را برای همسران ، برادران و پدران ایرانی آشکار سازد که سعادت واقعی آنها متضمن سلامت و رشد و بلوغ روانی و اجتماعی همسران آنها و بالاخره تکامل و پیشرفت همه جانبه هر دو آنها خواهد بود . تکاملی که از آزادی انتخاب و تحقق دادن به آرمانهای بلند انسانی و علمی آنها پدید آید .»

در این تحولات آنچه بیش از همه چشم گیر است هجوم شگفت آور زنان و دختران ایرانی بسوی مؤسسات آموزش عالی است که فقط در پنج سال اخیر در چند دانشکده از ۲۸ درصد به ۴۸ درصد افزایش یافته است .

در سالهای اخیر درمیان این دانشجویان اغلب زنان شوهردار و مادرانی که دارای چندین فرزند بوده‌اند نیز دیده میشوند که با شوق و شور فراوان در کلاسهای درس حاضر می‌شوند و گاه امتحانات مربوط را همراه با دختران خود (که در کلاسهای بالاتری تحصیل میکنند) یکی پس از دیگری می‌گذرانند .

این گرایش حقیقی زنان بسوی کسب دانش و تکامل خویشان بیشک یکی از مظاهر زنده و گویای پیشرفت حقیقی کشور و زنان این مرز و بوم میتواند بشمار آید .

از این تاریخ با توجه به نیروی فعال زنان و تأثیر آنها در رشد و پیشرفت جامعه ، روز بروز بر تعداد دختران دانش آموز و دانشجو و استادان و دبیران زن افزوده شد . بتدریج زنان بر مصادرات کارهای حساس سیاسی ، علمی ، اجتماعی ، فرهنگی و هنری و امور صنعتی از آنجمله وزارت و معاونت وزارتخانه ، وکالت مجلس و دادگستری ، قضاوت و عضویت در شورای داورى ، ریاست دانشکده و مؤسسه عالی آموزشی ، استادی و مدیریت گروه ، معلمی ، نویسندگی ، روزنامه نگاری و منشی گری و بسیاری دیگر از فعالیتهای و مشاغل اجتماعی مانند زنان پلیس ، موتورسیکلت سوار ، و غیره گمارده شدند و پیروزمندانه در هر یک از این فعالیتهای به پیش رفتند .

طبق آمار موجود در سالهای اخیر زنان در ۲۵۸ شغل از ۲۷۰ شغل موجود در ایران شرکت فعالانه داشته و از عهده این خدمات بخوبی برآمده‌اند . تنها مشاغلی که در آن شرکت نداشته‌اند عبارت بوده است از رشته معدن ، اداره راهها ، رانندگی لکوموتیو ، کشتیرانی و امثال آن (۱) .

چکیده‌هایی از متن کتاب

«گرچه شرکت این زنان در کلیه مشاغل موجود

(۱) از سخنرانی خانم سیمین و جالی دبیرکل سازمان زنان .

در پژوهشهاییکه طی پانزده سال گذشته از زنان شوهردار و خانه‌دار در زمینه دلایل هجوم بیسابقه آنها بسوی مؤسسات آموزش عالی و بطور کلی تحصیل دانش انجام گرفته است محتوی این جمله در پاسخ های اکثریت آنها منعکس بوده است: «حقیقت آنکه همه‌روزه پس از انجام کار بی حاصل خانه آنچنان احساس بیحوصلگی، بطالت و فرسودگی میکردیم که دیگر حتی حوصله استقبال و یا گفتگوی با شوهر خود را نیز نداشتیم. این بی‌حوصلگی را نسبت به فرزندانمان و تربیت آنها نیز احساس میکردیم لیکن از روزیکه طبق تعالیم قرآن به کسب علم مشغول شده‌ایم، هم به نظم و ترتیب خانه و زندگی خود بیشتر میرسیم، هم با رغبت و شوق بیشتری به شوهر و فرزندانمان توجه میکنیم و هم خودمان از بی - حوصلگی و دل‌مردگی و بی حاصلی بدر آمده‌ایم و برای خود برنامه‌ای منظم داریم.»

این پاسخها يك اصل و حقیقت روانشناسی را آشکار میسازد که در زندگی مشترك سعادت واقعی زن و مرد هنگامی ممکنست تحقق یابد که هر دو احساس رشد و شکوفائی و تکامل کنند و وجود خود را مثمرتر و مفید یابند بخصوص هنگامیکه این شکوفائی

را در جوار یکدیگر و مرهون توجه و علاقه و کوشش همسر خویش بدانند مسلماً همبستگی بمراتب بیشتری در زندگی آنها پدید خواهد آمد و زندگی براساس محکمتری بنا خواهد گشت.

بیشك در این میان زنانی هستند که همچنان با همین روحیه و با بیحوصلگی و احساس بطالت بزنگی خود ادامه میدهند و بتدریج شوهر خود را نیز دل‌مرد و تیره‌روز میسازند. این گروه آنهایی هستند که مشکل و درد خود را تشخیص نداده‌اند و بالطبع از چگونگی حل و یا التیام و بهبود آن نیز بیخبرند.

«از اینرو است که اگر مراد واقعی و مفهوم بلند و عالی زناشوئی را بدرستی تحلیل کنیم به این اصل بیشتر نزدیک میشویم که زندگی مشترك از یکسو گامی است بزرگ در راه شکوفائی و خوشبختی و سعادت بیشتر آنکس که مورد علاقه ما است و از سوی دیگر تکامل ما (۱) در راه این گام و کوشش مقدس و عالی (۲).

(۱) که مستلزم طی مراتب بلند انسانی است.

(۲) کوششی که عرفای بزرگ ایرانی آنرا - یعنی عشق حقیقی را - سربقاه و دوام و ادامه حیات انسان و بالاترین و عالیترین وسیله تکامل و تصفیه او میشناسند. رجوع شود به صفحه ۶ و اندرزه‌های نیاکان ما.

شرایط و مسائل آنها

نویسنده آشنایی با شرایط و مسائل زن ایرانی را بدین سبب جستجو می‌کند تا در روشنایی آن بتواند نکته‌های ظریف انسانی و رازهای موفقیت و سعادت زن و مرد را در زندگی مشترک به خوانندگان خود عرضه کند و معلوم سازد آیا این نکته‌ها و رازها را باید بیشتر در ریشه‌های تمدنی و فرهنگی، در خصوصیات خلقی، در امکانات تحصیلی و علمی یا در پرورش و رشد و بلوغ عاطفی و انسانی زن و مرد ایرانی بدست آورد.

طی این پژوهشها مسائل گذشته و حال زن ایرانی همراه با مسائل خاص هر طبقه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است تا از خلال آن از یک سو در راه تفاهم هرچه بیشتر زن و مرد و از سوی دیگر تکامل انسانی و اجتماعی و شکوفایی هر یک از آنها - که ضامن خوشبختی آنها نیز میتواند باشد - راههایی به خواننده ارائه شود و سرانجام مسیر تحول فکری آنها طی بیست سال اخیر در حد امکان روشن گردد.

در این مورد و باتکاء همین پژوهشهای زنده تاریخی و اجتماعی و روانی - که در جلد سوم کتاب بتفصیل آمده است - و همچنین تجارب عملی و عینی، نظر جالبی درباره تأثیر سلامت و سعادت فردی انسانها در ثمره کار و خدمت اجتماعی که افراد در پیش گرفته یا میگیرند و بالاخره پیشرفت حقیقی جامعه عرضه میشود و پیشنهادهایی برای تضمین چگونگی اجرای آن ارائه میگردد. (۱)

فصل اول این جلد به بحث جامعی درباره تحول تعلیم و تربیت در ایران می‌پردازد و سپس در فصول بعدی حاصل پژوهشهای عمیق و جالبی را که طی بیست سال گذشته درباره زنان طبقات مختلف امروز ایران انجام گرفته است منعکس می‌سازد.

مراد نویسنده از این پژوهشهای وسیع انسانی که با روش بسیار مناسب علمی و منطبق با خصوصیات مردم این سرزمین به مرحله اجرا درآمده، آشنائی با شرایط روانی، پرورشی و اجتماعی اکثریت زنان طبقات مختلف امروز ایران و مسائل مبتلا به زندگی مشترک آنها است تا بدینوسیله نقش و تأثیر پرورشی - اجتماعی - روانی و اقتصادی آنها را به عنوان مادران و نخستین مربیان طبیعی در خانواده و جامعه و نسلهای آینده ایران روشن سازد.

برای این منظور از یکسو تحقیقات زنده و وسیعی را درباره زنان روستائی کشور (که سه چهارم جمعیت کل زنان ایرانی را تشکیل میدهند دریا نژده منطقه جغرافیای انسانی ایران بمرحله اجرا درمیآورد تا ابتدا شرایط و مسائل این زنان را بعنوان اصیلترین پاسداران فرهنگ و تمدن گذشته ایران روشن سازد و آنگاه به تحقیق درباره زنانی که عوامل زنده و اصلی تحرك و پیشرفت جامعه کنونی میباشند میپردازد تا بدینوسیله بهتر بتواند حدود و اثرات عوامل زنده پیشرفت و حرکت را در برابر سنت و فرهنگ گذشته مشخص سازد و شرایط و مسائل امروز زن ایرانی را از این مقایسه استنتاج کند.

خواهد بود که نخست در راه آموختن چگونگی سلامت روانی و نیکبختی خویش گامهای اولیه را بردارند تا بهتر بتوانند به کار معلمی اشتغال یابند. زیرا بیشك دانش آموزان در حین استفاده از سرمایه دانش معلمان تحت تأثیر شخصیت و گفتار و کردار و اندیشه معلم یا استاد خود قرار میگیرند و از این رو است که معلم قبل از معلمی باید انسانی سالم و خوشبخت باشد تا بتواند سرمشق مورد تقلید هزاران نوجوان و دانش آموزی قرار گیرد که با تمام وجود چشم به شخصیت او دوخته‌اند.

۱- بمنظور تحقق دادن باین نظر بود که نویسنده طی سالهای تحصیلی ۱۳۴۸ - ۴۹ و ۱۳۴۹ - ۵۰ در سمت ریاست دانشکده علوم تربیتی (دانشرای عالی) دانشگاه اصفهان برای نخستین بار پیشنهاد درسی زیر عنوان «روانشناسی ازدواج» در برنامه گروه علوم تربیتی آن دانشکده نمود که طی سال تحصیلی ۴۸ - ۴۹ بوسیله یکی از استادان روانپزشکی آن دانشگاه در آن دانشکده تدریس گردید. منظور از ایجاد این درس آن بود که در جاسد امروز ایران بیش از اینکه دانشجویان در کار معلمی تخصص یابند صحیحتر این

چکیده‌هایی از متن کتاب :

پژوهشی در خانواده‌های روستایی ایران

یاری بديگران و بالاخره هنر آنها را در بردارد ، در فراهم آوردن وسائل آسایش و آرامش همسرانشان که با جان و دل بر آنها مهربانند و بدانها خدمت میکنند تجلی میکند .

کتابهاییکه در خانواده‌های روستایی میتوان یافت عبارتست از قرآن- شاهنامه فردوسی (که بسیاری از داستانها و اشعار آنها از بر دارند) - دیوان حافظ - برخی کتابهای ستاره‌شناسی و بالاخره دیوان پروین اعتصامی شاعره نامی ایران .

خصوصیات روانی و اخلاقی زن روستایی

زن روستایی عموماً بردبار و مهربان ، گرم و دوست داشتنی ، بی‌توقع و از خود گذشته است . بار زندگی را با پایداری و شکیبایی بدوش میکشد و لب برنمی‌آورد . بلند نظری و گذشت و فداکاری بیدریغ او را که گاه به از جان گذشتگی میرسد - در زنان شهری و باصطلاح غرب‌زده کمتر میتوان یافت .

با وجودیکه تأثیر آنها در اقتصاد روستایشان بیش از مردها است و با وجودیکه هم در خانه وهم در مزرعه به کار طاقت فرسا و سنگینی اشتغال دارند اما همچنان در حفظ ظرافت و خصوصیات زنانه خود کوشا هستند .

میرقصند ، ترانه و شعر می‌خوانند و به خانه و کاشانه خود نشاط میبخشند .

ازدواج زن روستایی

زن و مرد روستایی فوق‌العاده بیکدیگر بستگی و پیوند دارند . مردان روستایی برای زنان خود «نان آور»، «ایمنی‌بخش» و «زندگی دهنده» بشمار

با توجه بدانچه گذشت تحول و حرکت قابل ملاحظه‌ای در زندگی مردم روستایی ایران امروز مشاهده میشود که بتدریج بسیاری از سنن و آداب گذشته را دگرگون می‌سازد. این حرکت وجنبش‌گرچه در مسیر بهبود شرایط زندگی آنها و بالاخره سواد آموزی روستائیان است ، لیکن این مشکل را نیز در بردارد که بتدریج این زنان دستخوش مظاهر سطحی تکنولوژی امروز گردند و رفته رفته فرهنگ اصیل باستانی آنها رو به زوال گذارد .

این مشکل همانطوریکه متوجه نسل امروز یعنی جوانان ما میباشد - که در میان سنتهای گذشته و نوآورده‌های کشورهای غربی سرگردان شده‌اند - همانطور نیز متوجه زنان روستایی ما است که زنده-ترین پاسداران فرهنگ باستانی ما هستند .

همگام شدن با پیشرفت‌های شگرف صنعتی دنیای امروز بعنوان يك جبر تاریخی از آرزوهای بجای جوانان است لیکن آیا این آرزو مستلزم از دست دادن همه سنت‌های ارزنده و فرهنگ و تمدن گذشته و گسیختن با میراث بارور گذشته نیز خواهد بود؟

فرهنگ و اطلاعات عمومی زن روستایی

فرهنگ زن روستایی بمانند سایر مردم روستایی فرهنگی است که سینه به سینه بدو رسیده و یا اینکه از زندگی پدران و نیاکان خود آنها فرا گرفته است .

مظاهر این فرهنگ که شخصیت و خصوصیات خلقی و رفتار آنها (مانند زنده دلی - شور و شادی - ظرافت و چابکی - مهربانی و فداکاری و خدمت و

آموزشی ، آزمایشی ، پژوهشی و انتشاراتی در دیدگاه و نظر تازه‌ای از مفهوم زندگی مشترك ، سعادت انسان ، رشد و شکوفائی زن و مرد و بالاخره تکامل هریک تجلی میکند و مشکلات و موانع آن مورد بحث قرار میگیرد .

این دیدگاه به خانواده خاتمه نمییابد بلکه به جامعه امروز و فردا و چگونگی رشد و شکوفائی و تکامل انسان و اجتماع یا فرد و جامعه تعمیم داده میشود و به نسلهای آینده خاتمه مییابد .

میروند . و بهمین سبب نیز گاه در حد پرستش مورد مهرزان خود قرار میگیرند. زن‌روستائی از گذشتگان خود آموخته است که باید دوست داشت و دل‌بفرمان همسر داد . در روستاها زن و مرد با آشنائی بایکدیگر پیوند زندگی می‌بندند و در این پیوند نیز راسخ و پایدارند . زن روستائی بخاطر آزادی در انتخاب همسر خود و اعتقاد و احترام به عشق خود به ثروت و یا مقام شهرنشینان وقعی نمینهد و بهمین سبب نیز طلاق خیلی بندرت در میان روستائیان رخ میدهد . در این جلد حاصل بیست سال تجربه متد



در ایران باستان



عكس برجسته آناهیتا بر روی تنگ از دوره ساسانی

Anahit. Goddess of spring and love. Sasanian Ewar silver formerly Stroganoff Collection.



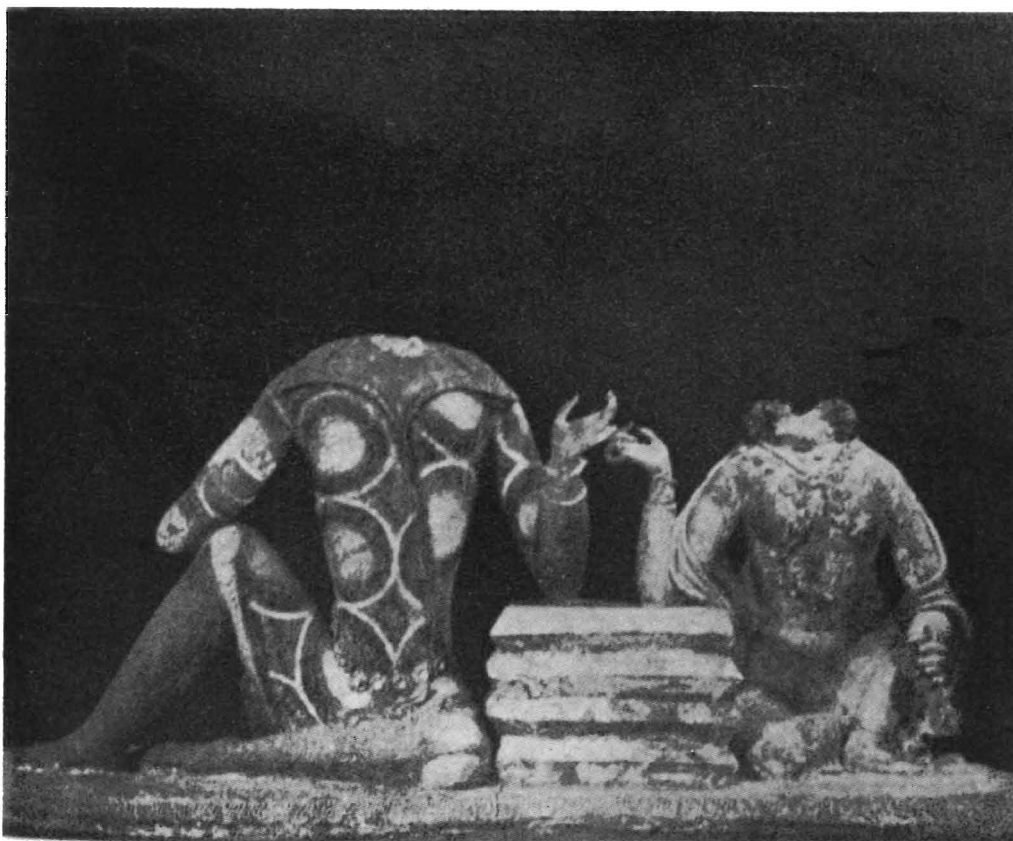
Sasanid Queen

ملکه ساسانی



قالی پزیریک از دوره هخامنشی دارای نقش ملکه و بانوان
این دوره . موزه لنینگراد .

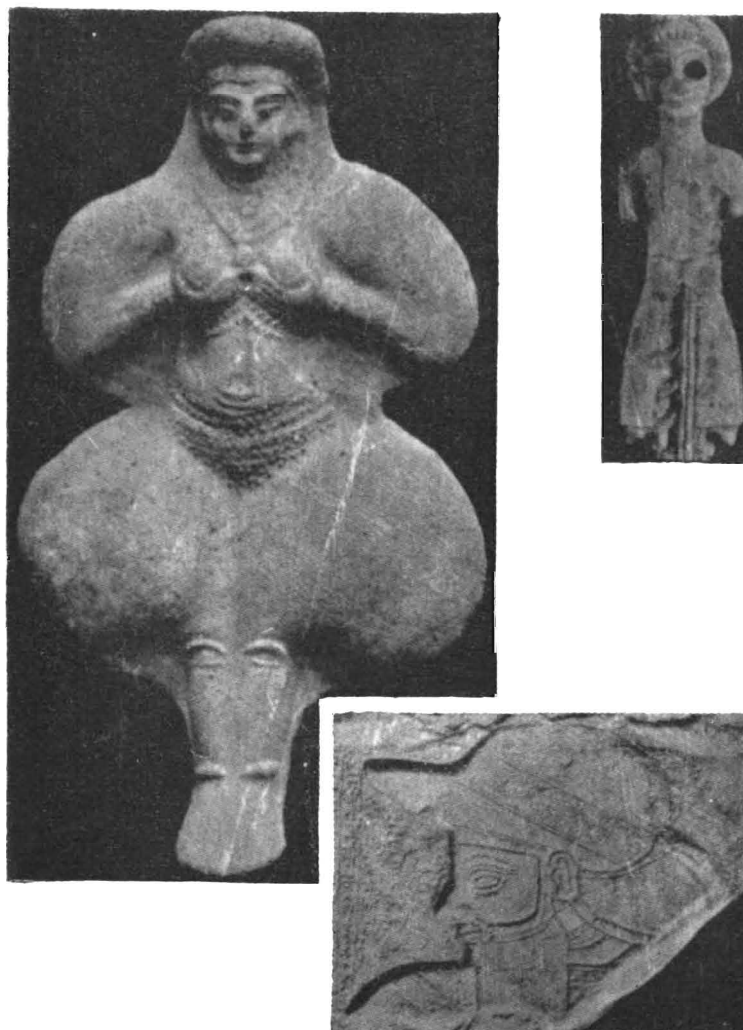
Pazirik Carpet Achaemenide Period Leningrad
Museum.



پیوند دوهمسر. فندقستان قرن ۶-۷ پس از میلاد .
 "Le couple Princier" Fandughistan VI - VII after J.C. Caboul Museum.



نوازندگان بر روی ظرف قرن ۶ میلادی موزه تهران - کلاردشت .
 Musicians VI after J.C. Tehran Museum. Kalar Dasht.



مجسمه الهه مادر از شوش در موزه لور

Suze - Terracotta, 2nd and 1st millennia B.C. Musee du Louvre



سمبول دوران مادرشاهی بر روی يك كاسه قرن اول تا دوم
بعده از ميلاد موزه ارمنيائز لنینگراد.
Ermitage Leningrad Museum.
Kustani I - II after J.C.



تصویر پادشاه و ملکه و ولیعهد بر روی سکه دوره ساسانی
Silver Coin. King, Queen and Princes Sasanian
period.



عکس ملکه ساسانی بر روی سکه (ملکه پوران)
Queen Pouran 629-630 (Guirshman)

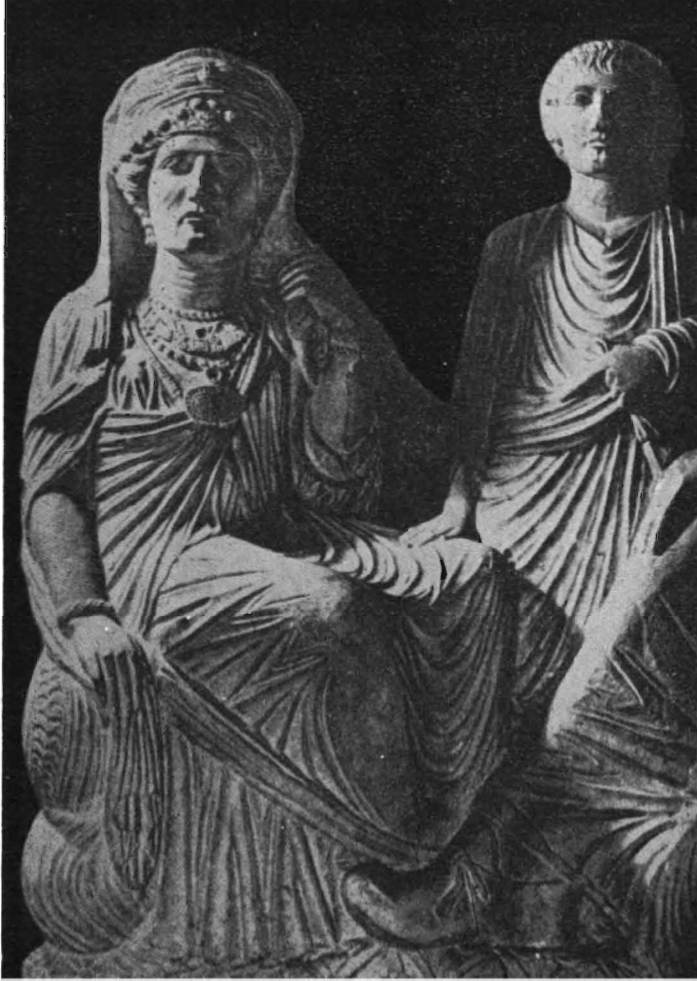


سکه دوران ساسانی بهرام دوم و ملکه
Sasanian Period Coin of Bahram II and the Queen.

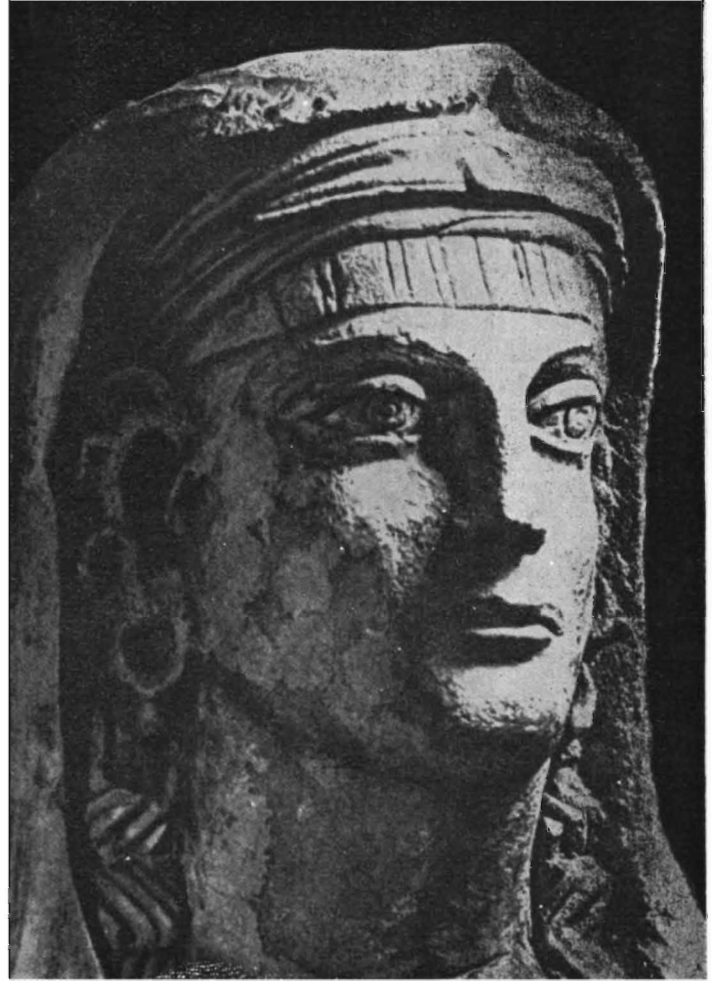


یکی از خدایان زن مجسمه سرزن از گچبری از قرن هشتم
بعداز میلاد موزه تاریخی تاشکند .

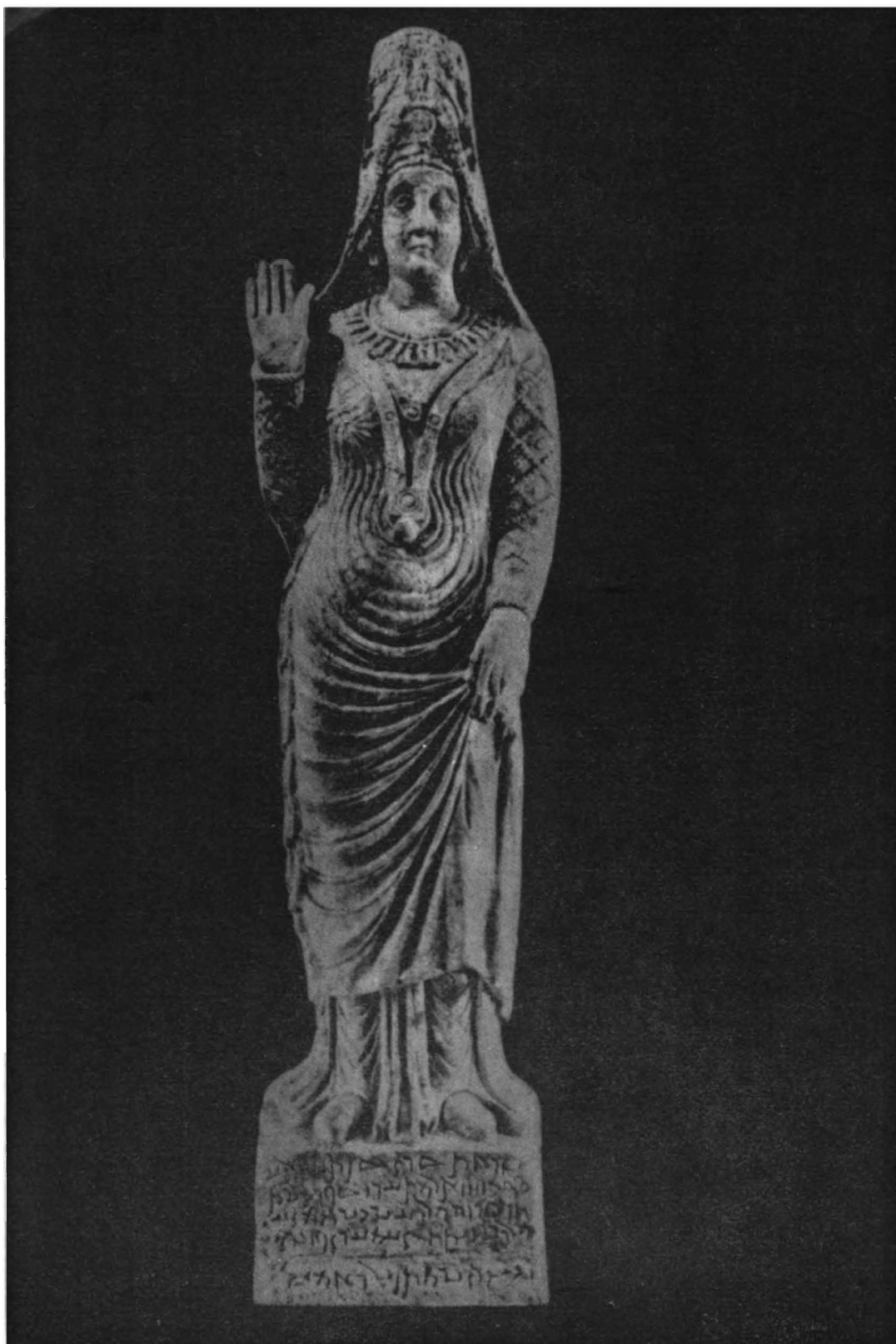
Head of a Goddess VIII century after J.C. Tashkand
Museum.



پالمیر - شاه و ملکہ - دورہ اشکانی (قرن دوم و سوم بعد از
Palmyre - Relief (II - III after J.C.) Dames Museum.



پالمیر - مجسمہ سبا (قرن دوم میلادی) موزہ لوور.
Palmyre-Head of Saba (II century after J.C.) Louvre
Museum.



هاترا - دختر جبل قرن دوم پس از میلاد موزه بغداد.
Hatra - Ubal, Daughter of Jabal (Second century after J.C.) Bagdad Museum



رقاصه دوره ساسانی بر روی کوزه نقره (موزه ایران باستان)
A woman dancer Sasanian period. Tehran archeological museum.



بیشاپور - موزائیک - زن نوازنده چنگ (نیمه دوم تا سوم بعد از میلاد)
 Bishapur Mosaique of Iwan detail Woman Harp
 player II half of the III century after J.C.



بهرام گور و آزاده نقاشی بروی کاسه از ری اواخر قرن سیزدهم میلادی
 کلکسیون ستر و گانف
 Bowl Overglaze painted, Showing Bahram Gur and
 Azada 13th century. Collection late mortimer schiff.



نقش برجسته آناهیتا و نرسی در نقش رستم
Investiture of Narse and Goddess Anahita. Beginning
I.V.C.A.C Naghch-e- Rostam.



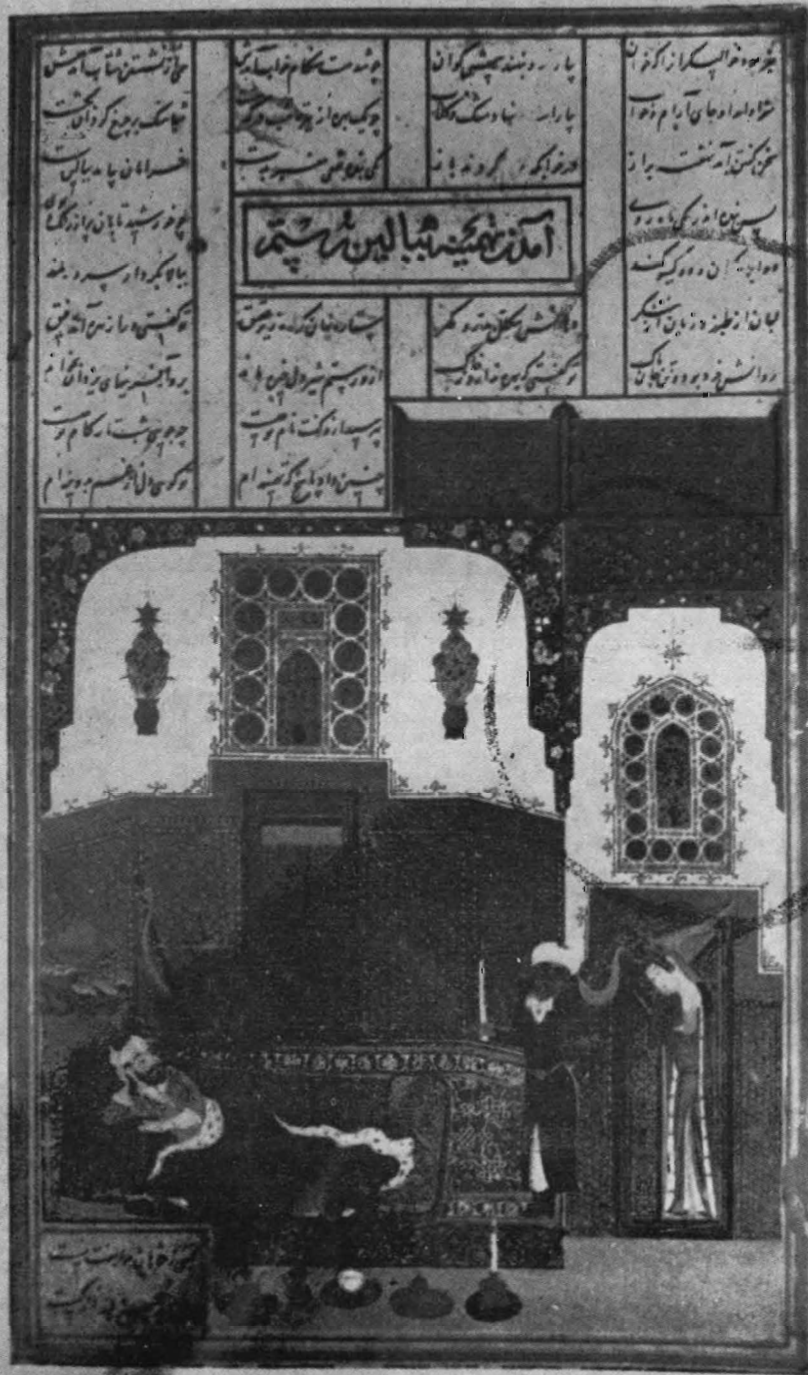
نوازندگان در دربار شاه صفی
— Musicians at the court of Shah Safi 1629-42 (1121-
1207) Detail of miniature in the possession of
Quaritch



بهرام گور و آزاده قرن ۱۳ میلادی کاشی نقاشی شده و طلاکاری از ری
 Bahram Gur and Azada late 13th century morimer
 schiff Bowl overglaze painted, Ravv



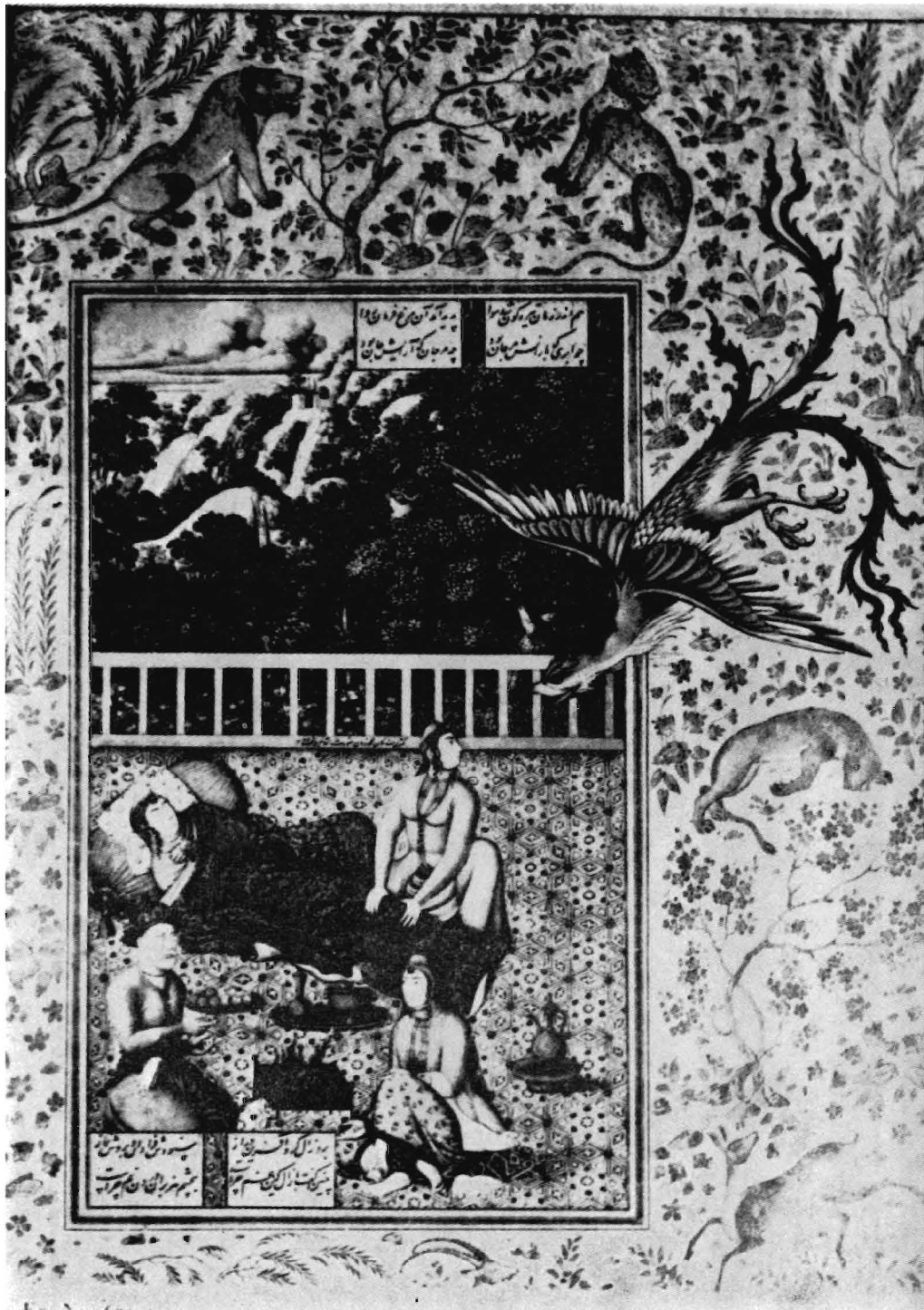
ازدواج مهرنگار دختر انوشیروان با حمزه پس از اشکال
 تراشی مخالفان از رموز حمزه از داستانهای عامیانه ایران
 The marriage of Mehrnegar daughter of Anoushi-
 rawan with Hamzeh.



FIRDAWSI, *SHAH-NAMA*

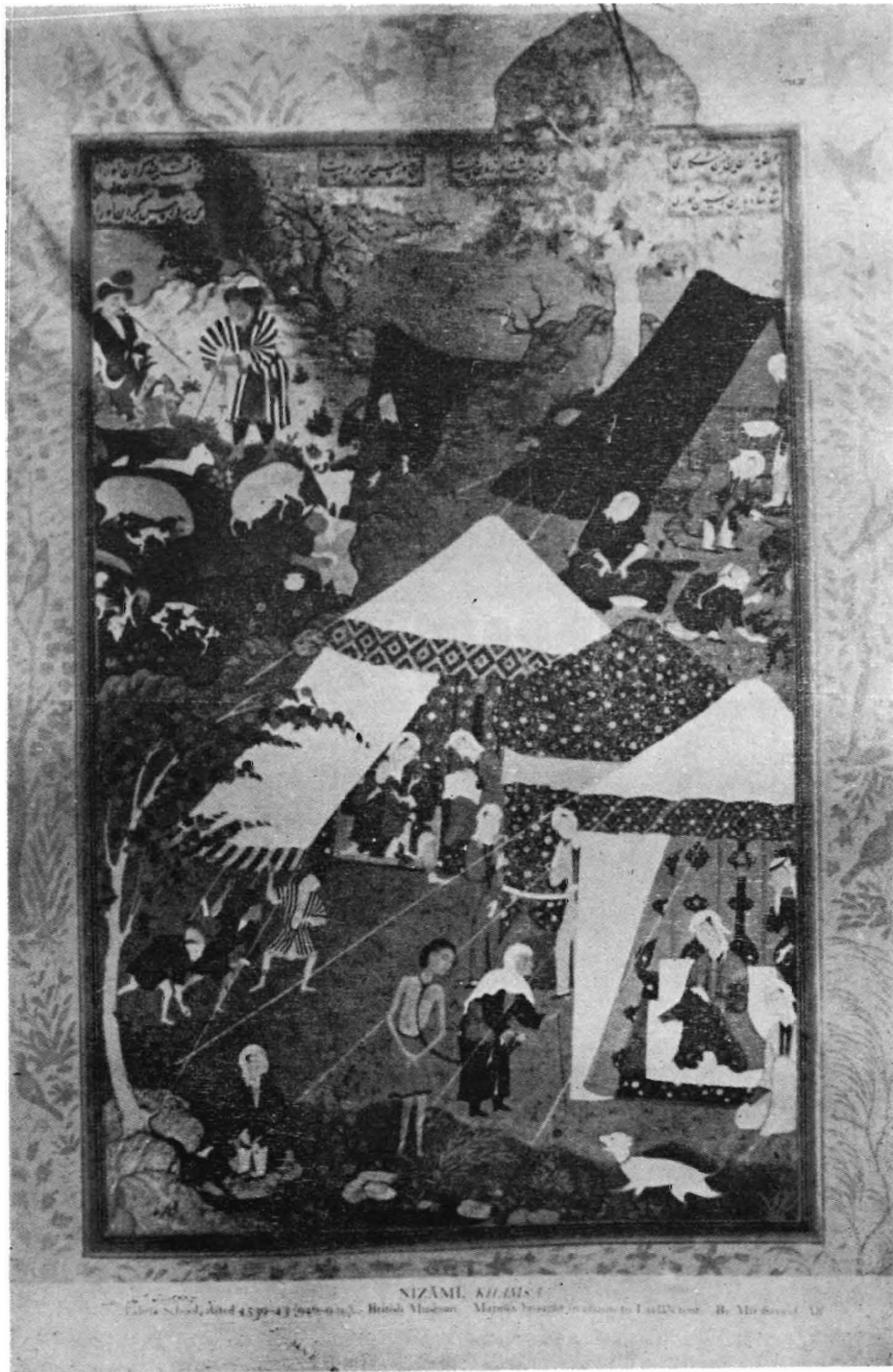
Herat School, c. 1440 (c. 844 B.). Royal Asiatic Society. Tahmineh's visit to Rostam

مجلس تهمین و رستم کتاب فردوسی مکتب هرات سال ۸۴۴ هجری
 'Tahmineh's visit to Rostam. Herat School, 1440
 Firdowski - Shah Name, Royal Asiatic Societ.



The Simurgh aiding at the birth of Rustam
 Miniature from Firdawsi Shah-Nameh Collection A.
 Chester Beatty,

خبر آوردن سیمرغ از تولد رستم
 مینیاتور از شاهنامه فردوسی کلکسیون چسترتی



مدرسه تبریز - آوردن مجنون به خیمه لایلا (۱۵۳۹ - ۴۳)
میر سعید علی

Majnun brought in chains to Layla's tent.
Tabriz school, dated 1539-43 British museum
By Mir Sayyidi Ali.



یافتن خسرو شیرین را - مکتب تبریز (۱۵۳۹ - ۴۳) موزه
بریتانیا نظامی گنجوی.

Khusraw discovers Shirin.
Nizami Khamsa.

Tabriz school, dated 1539-43 British museum.



زنی با آئینه از علی‌رضا عباسی مدرسه اصفهان اوائل قرن ۱۷ میلادی و ۱۱ هجری
Lady with a mirror.

Reza Abbasi, Isfahan school, dated 1618 unknown owner.

از مشروطیت تا انقلاب سفید



لباس محلی زنان جنوب ایران
Veiled women at the beginning of the Constitution.



مکتب‌خانه حرمسرا ۱۳۰۴

A classroom in the Harem 1925.



خانم صدیقه دولت‌آبادی مدیر کانون بانوان ۱۲۷۶ - ۱۳۴۰
Mrs. Sedigheh Dowlatobadi 1891 - 1961 Director of
the magazine "Zaban Zanan" and women association
"Kanoun Banovan"



خانم فاطمه سیاح نخستین استاد زن دانشگاه
First University Professor Fatemeh Sayah



پروین اعتصامی شاعره ملی
۱۳۲۰ - ۱۲۸۵

Mrs. Parvine Etessami. National poetess 1908-1941



خانم زنددخت مدیر مجله دختران
ایران ۱۳۳۱ - ۱۲۸۸

Miss Zand - Dokht 1910-1953. Editor in chief of "Iranian Girls" magazine



خانم طوبی آزموده مدیر دبیرستان
ناموس ۱۳۱۵ - ۱۲۶۰

Mrs. Tooba Azmoudeh 1879 - 1963 Principal of the Namous school



خانم مزین السلطنه عمید صاحب امتیاز
و مدیر مجله شکوفه (چاپ سنگی)

Mrs. Mozayan-os-Soltaneh Amid 1914-1920 Founder and editor in chief of the magazine Shokoufeh (First Iranian journalist)



۱۷ دی روز چادربرداری در دانشسرای عالی تهران

The day of the removal of Tchador (Unveiling of day 17 1314 (7 January 1935).
INAUGURAL CEREMONY OF TEHRAN TEACHERS COLLEGE BY REZA SHAH THE GREAT.



First unveiled women 1935

اولین زنان پس از چادربرداری



Women Gathering in front of the Royal Palace on the historical day of 8 Esfand 1962.

اجتماع بانوان در روز ۸ اسفندماه ۱۳۴۱ در مقابل کاخ سلطنتی



زنان در فعالیتهای انتخاباتی

Voting



نخستین زنان وکیل مجلس شورای ملی
First women deputies entering the Parliament



Annual Gathering of women Organization
From right : Mrs. Farideh Diba, Princess Ashraf
Pahlavi, Mehdi Boushehri.

سازمان زنان ایران



سناتور مهرانگیز منوچهریان
Mrs. M. Manouchehrian, senator



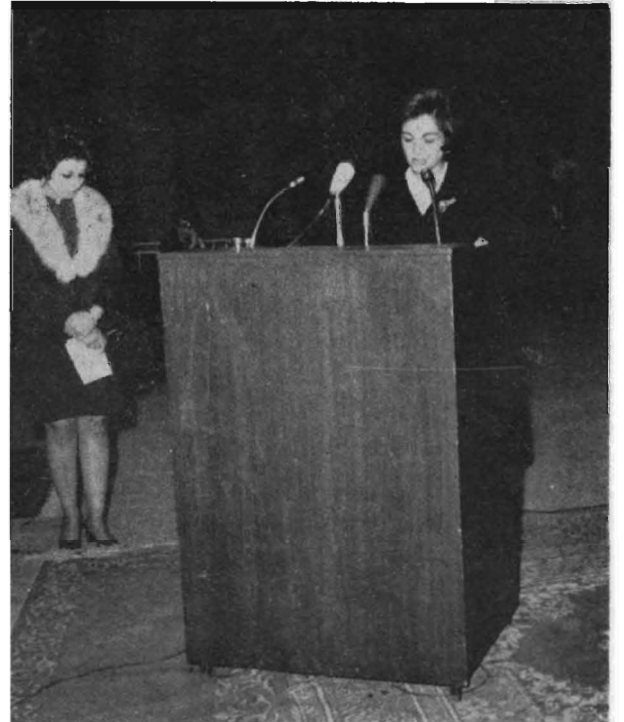
سناتور معاصب
Miss Mosaheb, senator



زنان هنرمند: منیر و کیلی و تولین باغچه بان خوانندگان اپرا
Women Artists: Evelyne Baghtcheban and Monir Vakili, Opera singers.



زن نویسنده : میمنت دانا
A woman writer Meimanat Dana



سیمین رجالی رئیس سازمان زنان ایران
Simine Radjali, Secretary Gen. of Iranian Women's Organisation delivering her annual report. Isfahan 1971



دختران پلیس موتورسیکلت سوار
 Motorcycle Police corp

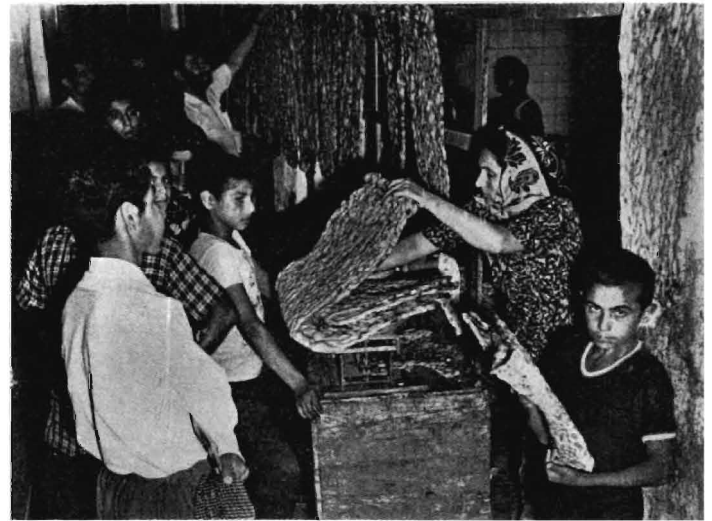


تیراندازی دختران پلیس
 Target shooting of police Women



Taxi driver

تاکسی ران



A woman baker making a Sangak bread



At the Petrol Pump

در پمپ بنزین



Women worker

زنان کارگر رادیو ساز



Classes of the Campaign against illiteracy Eghbal school Abadan.
کلاسهای پیکار با بسوادى دبستان اقبال آبادان



سپاه دانش در روستاها
Education Corp in rural areas



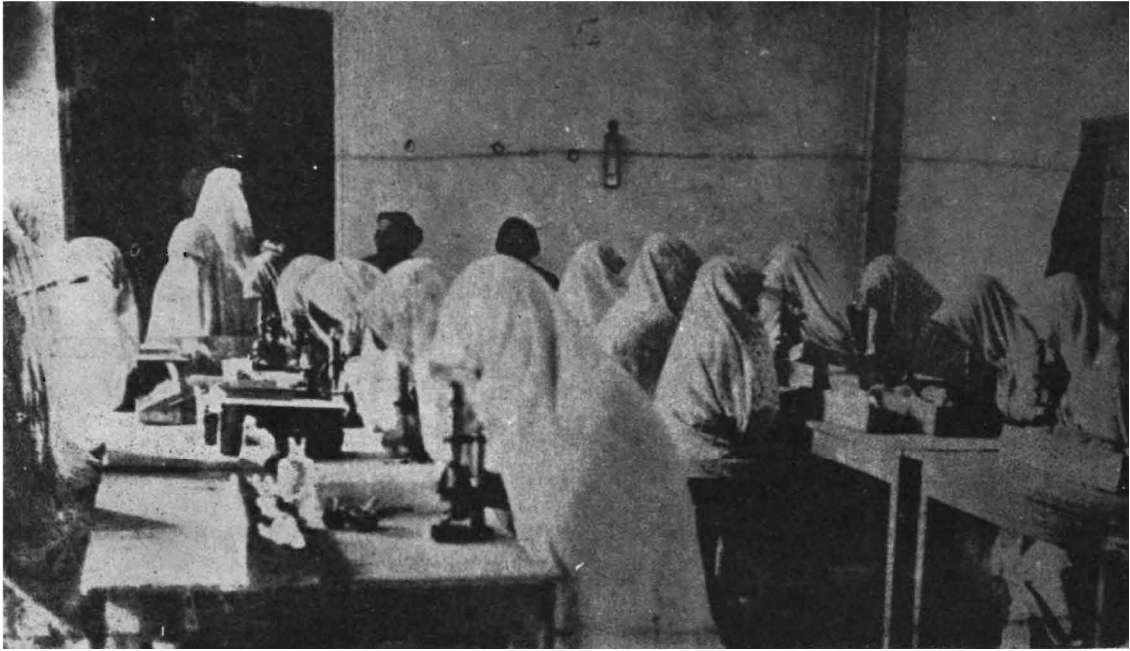
Education Corp in rural areas

سپادانش در روستاها

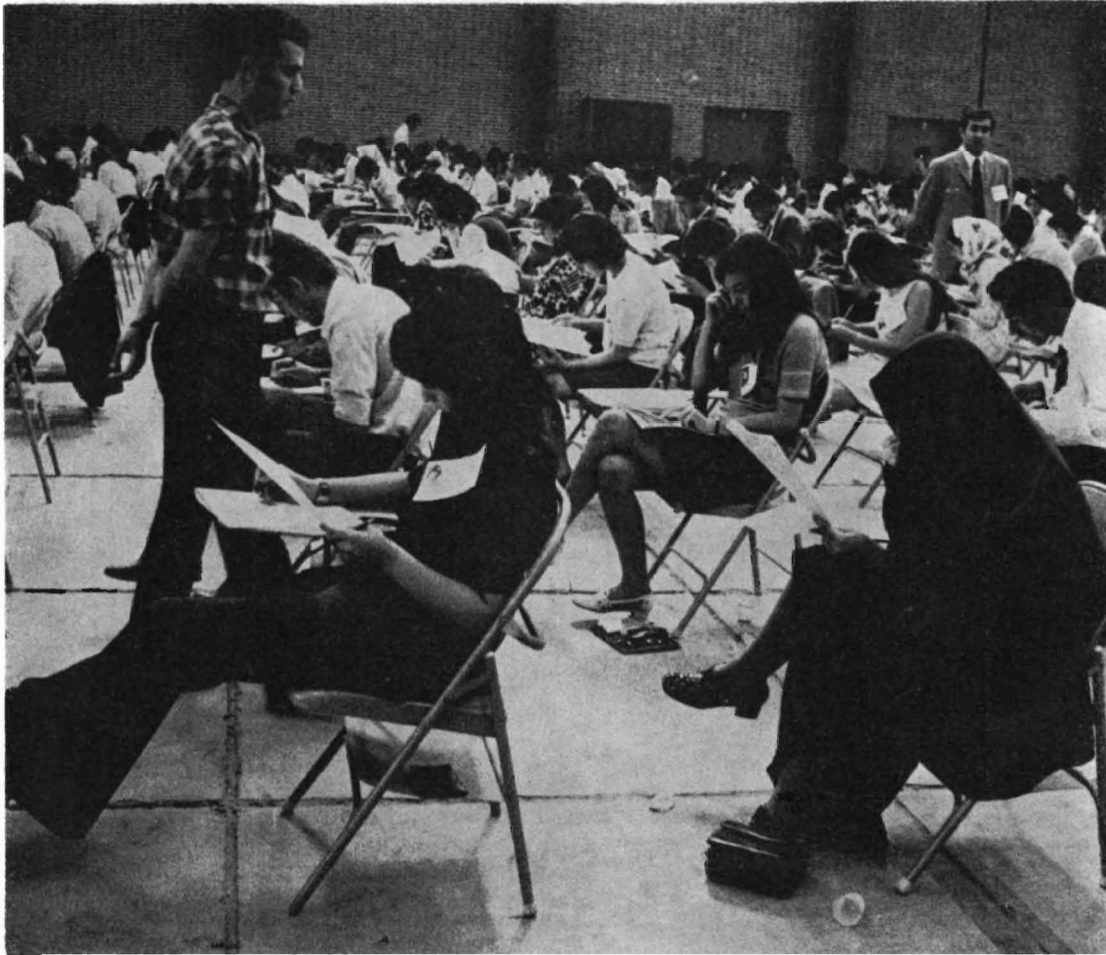


Local rural dances.

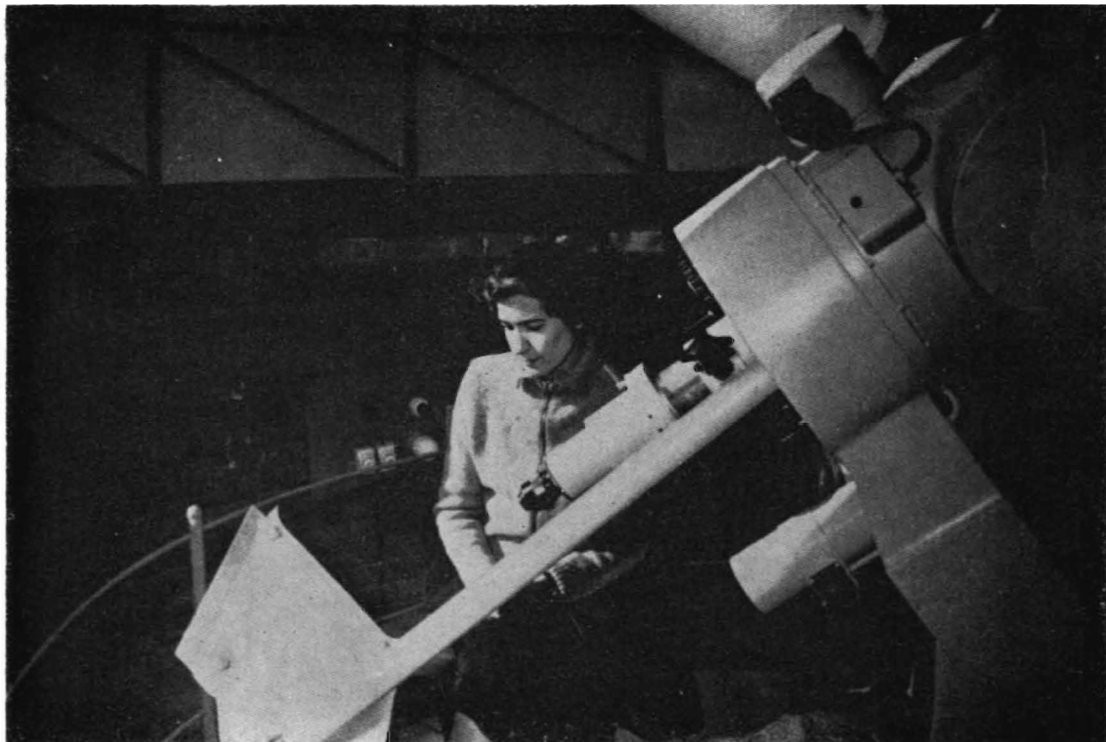
رقص محلی در روستا



نخستین دختران دانشجو (با چادر) در آزمایشگاه دانشگاه تهران
Veiled women students in the University laboratories



کنکور ورودی دانشگاه
University entrance examination

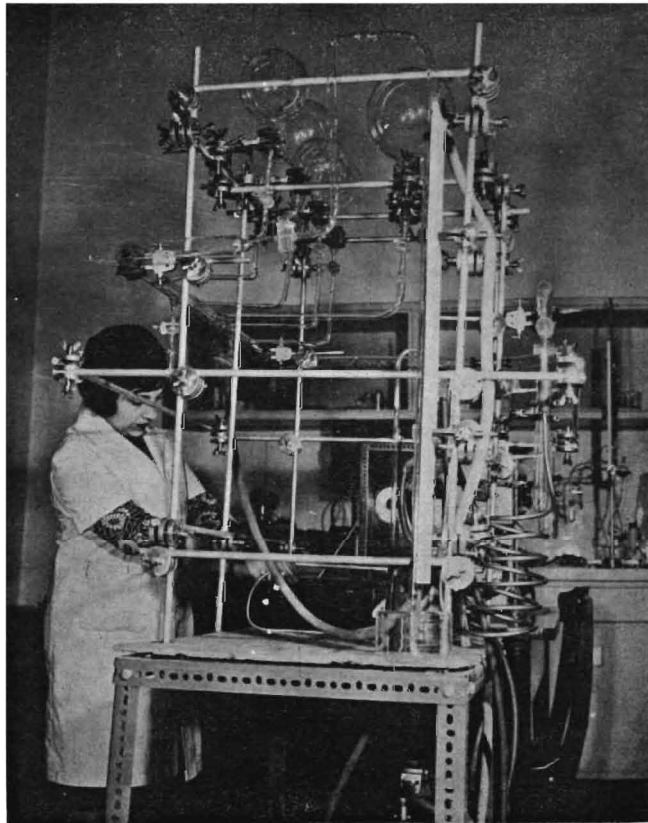


رئیس رصدخانه دانشگاه تهران خانم النوش طریان
Head of the observatory of Tehran University Miss A. Terian.



يك زن چادری در كنكور ورودی دانشگاه

A veiled woman at the University entrance examination



زنان در صنایع نفتی

Women in the Oil industry.



يك زن استاد در كلاس دانشسرای عالی تهران
A women University Professor in a classroom, Tea examination.
College Tehran 1959 - 1960. Course : Principles of Education.



Women in scientific activities

فعالیت‌های علمی زنان در بیمارستان‌ها

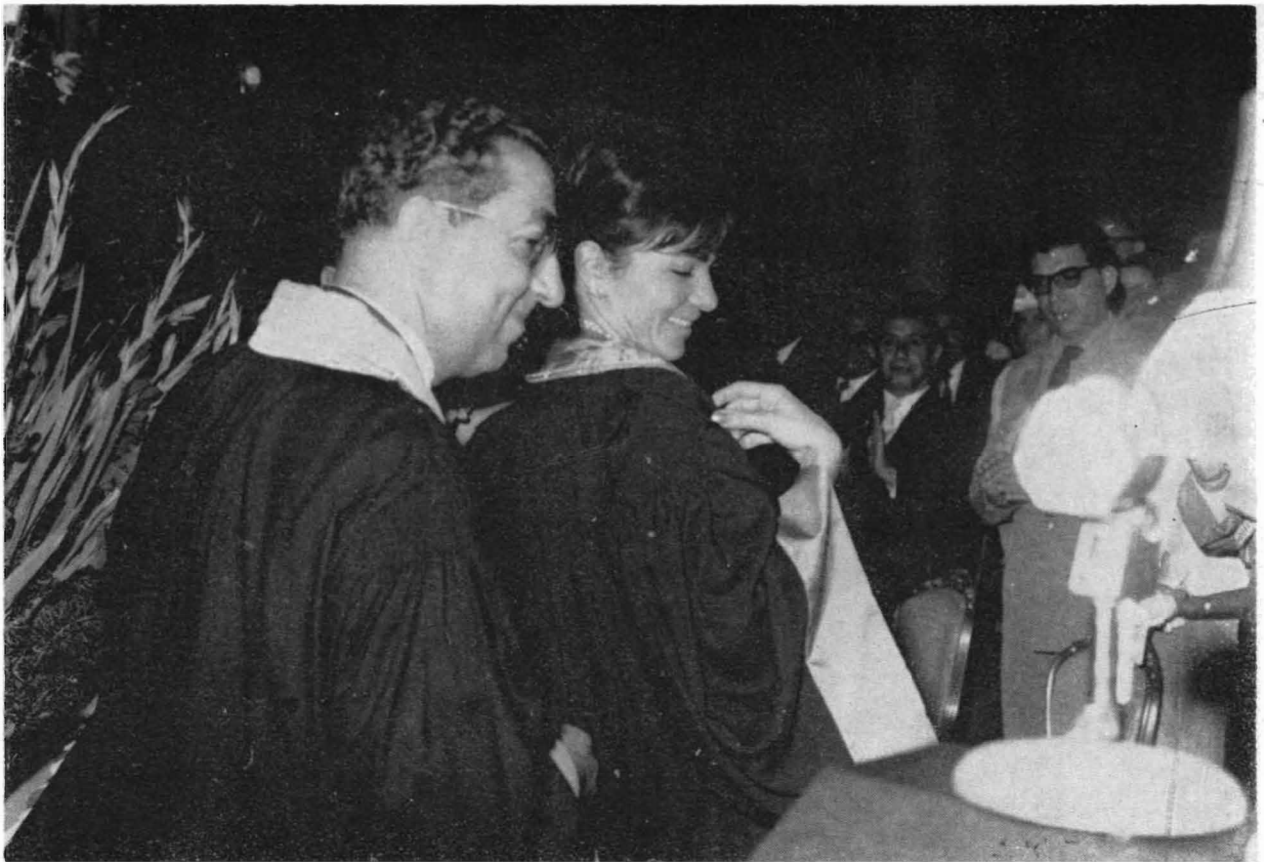


Shahanshah and Shahbanoo amongst students.

شاهنشاه و شهبانو در میان دانشجویان



نخستین زن رئیس دانشکده توجیهاتی به عرض علما حضرت
شهبانوی ایران میرساند.
(دانشگاه مصفهان دانشکده علوم تربیتی سال ۱۳۴۹-۱۳۵۰)
First Woman Dean of a Faculty giving explanation to
H.I.M. Shahbanoo Farah Pahlavi.



اهداء دکترای افتخاری هنرهای زیبا به علیاحضرت
 شهبانو فرح پهلوی در دانشکده هنرهای زیبا سال ۱۳۴۲
 The honorary degree of Doctor of Fine-Arts offered
 to H.I.M. Farah Pahlavi.
 Faculty of Fine-Arts 1963



زن ایرانی در لباس احرام برای زیارت مکه معظم .
 Special dress for pilgrimage to Mecque.



والاحضرت شاهدخت فاطمه پهلوی در هلیکوپتر.
 Princess Fatemeh Pahlavi driving a helicopter.



Regency and the Coronation of H.I.M. Queen Farah Pahlavi.

نیابت سلطنت شهبانوی ایران



هیئت وزراء در کاخ گلستان در پیشگاه شاهنشاه و شهبانو با حضور خانم دکتر پارسا نخستین وزیر زن .
Cabinet Minister at the Golestan Palace



گشایش کنفرانس شورای بین‌المللی زنان در تهران
International Council of Women Tehran march 1968.

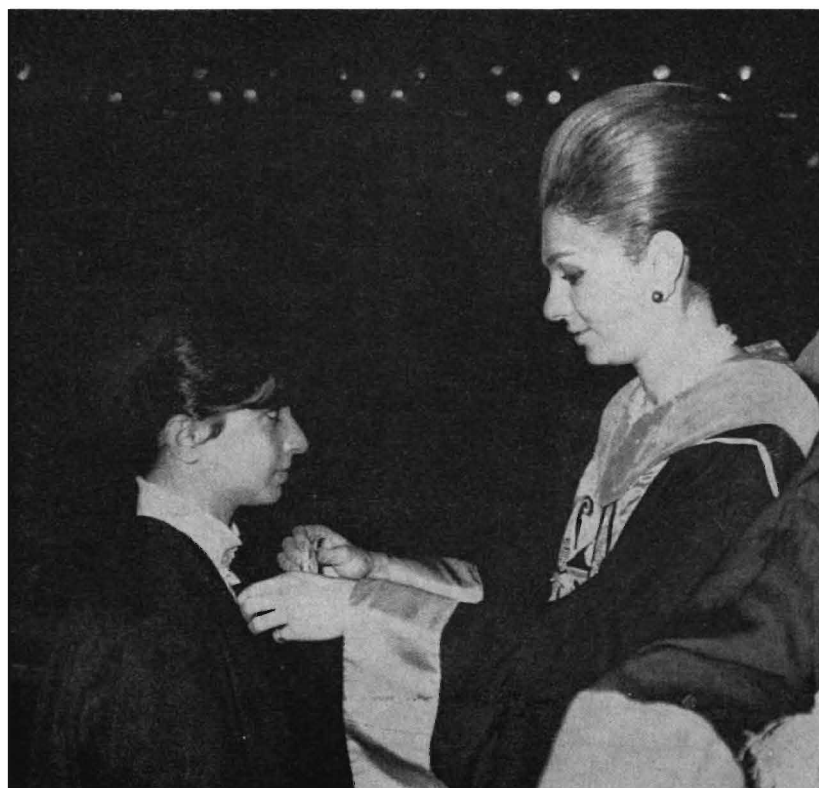


اهدای نشان بمادر نمونه
از طرف علیاحضرت شهبانوی
ایران ۲۵/۹/۴۷
Award of a medal to a mother.
On mother's day by
H.I.M. Queen Farah Pahlavi.



زنان شورای داوری در روز سلام کاخ گلستان
Members of Judicial Council Golestan Palace

علیا حضرت شهبانو - اهداء نشان به دانشجوی رتبه اول در
حسن پایان تحصیلی دانشگاه.
Awarding price to a girl student Tehran University





نمایشگاه سیمای زن در ادوار تاریخ کهن ایران غر فده آمار تحول تعلیم و تربیت در ایران
 Exhibition of "Iranian Women from the Earliest to the present time" Archeological museum. 1969
 Statistics on the Evolution of Education in Iran.



جلسات سخنرانیهای پانزده روزه مرکز تعلیم و تربیت و تحقیقات درباره زنان ایران .
 Fortnightly Conferences in "Education and Research Centre for the women of Iran.



اهداء خون از طرف ریاست عالیجمعیت شمس و خورشید سرخ ایران و الاحضرت شمس پهلوی .
Donation of blood by Princess Shams Pahlavi the President of the Red Cross



زنان قاضی
Women Judges



Women workers in factories. زنان کارگر در کارخانه‌ها



Women workers in the National Shoe Factory.

در کارخانه کفش ملی



↑ زنان چای کار گیلان
Tea plantations in Guilan

زنان برنج کار
Rice plantations in Mazandaran





A tribal woman

يك زن ايلاتی



«تهيه يك عروسك» توسط يك دختر روستائی (كلاس ترويج و آبادانی)
A village girl making a toy (Classes for propagation and development).



آرایش يك زن كرد
Hair dressing of a Kurdish Woman



Carpet weaving

قالی بافی زنان

when the older woman student, despite her family commitments participates in university courses side by side with her daughter.

“It is to be noted that the real happiness and fulfillment of women can never be only guaranteed by their opportunities in all careers. Such career opportunities are only part of the development of the individual.

The happiness of the individual today needs a thorough and permanent education as well as maturity of thought, judgment and emotion not only of women but of men too.

It is through the light of such maturity derived from a true education that a real happiness may be obtained in a mutual life, both for men and women.

Such maturity will give them the possibility of understanding this very reality that their own happiness depends to the happiness of the other and that the development of each one's mental and psychological resources as well as each one's progress, particularly if promoted by the other, will bring a better union.

It is in such an attitude that one of the authors's objectives in the meaning of marriage is summarized as follows: A step for the fulfillment of the happiness of the other and a permanent effort toward this holy purpose; an effort which as is quoted by our most popular mystic poets, infiltrates our soul and is the secret of our existence.

IRANIAN WOMEN OF TODAY THEIR CONDITIONS AND PROBLEMS

The first chapter of the third volume discusses the evolution of education in Iran from the ancient to the present time.

The other chapters of this volume reflect surveys effected during the past twenty years on different categories of Iranian women of today: rural, tribal, university women,

workers, civil servants, housewives and others.

The objective of the writer in these surveys, undertaken with a suitable technique adapted to the characteristics of the country is to discover the psychological, educational and social conditions of different categories of women of today and their relative problems.

In these vast and thorough surveys two points are particularly considered:

a — Traditional elements, such as Iranian rural women considered as the representatives of the most authentic and original inheritance of ancient Iran.

b — Stimulating progressive elements, such as students and other educated women of Iran today.

The purpose of the author in comparing the main common problems of married Iranian women of today in different educational backgrounds is to highlight the very delicate secrets of happiness and prosperity in the matrimonial life.

It is in this perspective that she searches for the fundamental lights of happiness in the deep-rooted civilizations and culture of a nation, in personal characters and behaviour of individuals, in the possibilities of education and scientific background and finally in the maturity of the individual, both in his thought, judgement and emotions.

Finally she aims to bring about-taking in view the existing obstacles—a new conception of mutual life, happiness, maturity of emotions and the development of human potentialities.

This conception does not end in matrimonial life but is extended to the present and future society, and the ways in which a psychological maturity of the individual as well as the future generations may be procured.

schools for girls, issuing magazines and periodicals, founding women associations, organizing women's international gatherings, making suggestions to the government and drafting regulations and laws for the benefit of woman and her social status and welfare.

Among the laws passed by the Parliament through the efforts of women's associations were the increase in the age of marriage, medical examination of both prior to marriage marriage girls students to be sent abroad for hisher education.

PROMINENT STEPS TOWARDS THE IMPROVEMENT OF STATUS OF WOMEN IN REECENT YEARS

Amongst these prominent steps taken in recent years, the following are to be mentioned:

A - Admittance of the Iranian women to the higher education 1935 .

The advent of the admittance of Iranian women to the Teachers Training College and the Tehran University in 1935 on an equal level with men is considered as to be one of the basic steps taken towards the status of women.

During this year two other important events are to be mentioned.

1 — The unveiling of women declared by Reza Shah the Great on the 17th Day 1314 (7 January 1935).

2 — Moslem women's Conference held in Tehran, resulting in very important resolutions, some of which were presented to the Parliament and accepted as laws.

b - Literacy Campaign

The passing of the law through the parliament in 1944 for the compulsory education for boys and girls was in itself an achievement. Shortage of schools and teachers and the inadequacy of the necessary educational techniques, however, postponed the enforcement of this law.

Sixth Bahman 1341 (1962) termed as

“the King and the People's White Revolution”, marks a new era for the full realization of this purpose. The fact that 18 months out of the 24 months military service period is to be devoted to the rural educational training of both boys and girls was in itself a vast campaign against illiteracy.

Apparently the rate of literacy for women has risen from 20% to 35% since the law was passed.

This event has had a double result :

— More independence offered to women, previously restricted and limited.

— Raising their social responsibility in serving their country.

C - Equality of social and political rights with men .

On 8 Isfand 1341 (1962), by the order of H.I.M. Shahanshah Ariamehr the Constitutional law was amended and Iranian women have effectively participated, together with their men, in the social and political destiny of their country, and thus they began to take use of their potentialities and human resources for the progress of their country.

From this date the inspirations of Iranian women-which because of limitations-could not be fulfilled under the constitution were officially realized with the reforming White Revolution.

They effectively entered every career which was once open only to men.

Amongst them are parliamentarians, ministers, judges, lawyer, professors and deans of faculties.

The recent statistics show that out of 270 occupations, women have participated in not less than 258 and have proved to be as worthy, efficient and understanding as their counterparts.

It is interesting to mention that during the last five years, women's participation in higher education has almost doubled. In 1965 the figure was only 28% of the total,

again the Iranian woman sinks into the dark. Despite the few lights in the fourth century after Hijrat and also during the reigns of Shah Abbas the Great and Nader Shah Afshar, this darkness had shadowed the life of the Iranian Woman until the beginning of the current century.

IRANIAN WOMAN'S ROLE FROM THE BEGINNING OF THE CONSTITUTIONAL MOVEMENT TO THE WHITE REVOLUTION

In the constitutional movement of Iran, considered as one of the extensive and historical movements of our country, the role played by the Iranian woman is exceptionally effective.

From this time she came out of the long recession and her reaction to her restricted past with her anxious hopes and ideals expected expression in this opportunity.

To safeguard their country's independence in collaboration with their men, Iranian women struggled hard and finally achieved their main objectives: "The Persian women since 1907 had become almost at a bound the most progressive in the world. That this statement upsets the ideas of centuries makes no difference. It is the fact".

"Having themselves suffered from a double form of oppression, political and social, they were the more eager to foment the great nationalist movement for the adoption of the constitutional forms of government and the inculcation of western political, social, commercial, and ethical codes."

"I had ample opportunity to observe the frequent manifestations of the influence and high purposes of the Muhammadan women."

"We, of Europe and America, are long accustomed to the increasingly large role played by western women in business, in the professions, in literature, in science, and in poli-

tics but what shall we say of the veiled women of the Near East who overnight became teachers, newspaper writers, founders of women's clubs and speakers on political subjects? What, when we find them vigorously propagating the most progressive ideas of the Occident in a land until recently wrapped in the hush and gloom of centuries of despotism? Whence came their desire to play a part in the political and social regeneration of their country and their unwavering faith in our political and social institutions?"

"The Persian women have given to the world a notable example of the ability of unsullied minds to assimilate rapidly an absolutely new idea."

"The Persian women supplied the answer. Out from their walled courtyards and harems marched three hundred of that weak sex, with the flush of undying determinations in their cheeks. They were clad in their plain black robes with the white nets of their veils dropped over their faces. Straight to the Madjlis they went, and, gathered there, demanded of the President that he admit them all."

"The President consented to receive a delegation of them. these cloistered Persian mothers, wives and daughters tore aside their veils, and... confessed their decision..... if the deputies wavered in their duty, to uphold the liberty and dignity of the Persian future generations.

"MAY WE NOT EXCLAIM", ALL HONOUR TO THE VEILED WOMEN OF PERSIA !!!"

It was thus at the beginning of the constitution, that the Iranian women set aside the traditions and with unusual energy and perseverance laboured toward the awakening of Iranian women and the mothers of future generations.

Some of their activities consisted in opening

(1) See Morgan Schuster. *Strangling of Persia* page 83 - 185.

marriage, woman's social standing, her attachment and her union with the man has been stipulated.

The Quranic interpretation of marriage confirms the man's love, compassion and mercy towards his wife, their equality and mutual sincerity.

It has been said that one of the Prophet's disciples said, "After the faith in the Almighty God, nothing is better than a pious wife."

"Treat your wife with goodness and fairness."

"Wish all the good things for your wife."

"Recommend for your wife, welfare and goodness."

"Noble is he, who respects the women and is generous to them, and miserable is he who offends and injures them."

The Holy Prophet advises a good mother about the fostering of children. He considers deeply the woman's physical and mental health and says, "In the woman and her family seek piety, virtue and nobility. And then, be careful that the woman is not incurably diseased.

"If a man is born from a clean and healthy sperm in a virtuous womb, fed from the blood of a chaste and noble mother, his soul will be pure and pious, otherwise he will be wretched."

"During the pregnancy of the woman or as long as the child is on milk, beware of maltreatment to the mother and do not offend her in any way.

"A perfect believer is he who, as far as the belief is concerned, supersedes others in good nature and habits and is very considerate to his wife. Best of you all is he who is righteous to his wife."

"Be affectionately moderate towards women and rush to their help."

"And you cannot do justice between wives

even though you wish (it) but be not disinclined (from one) with total disinclination, so that you leave her in suspense. And if you are reconciled and do your duty, surely Allah is ever forgiving and merciful. (2)

IRANIAN WOMAN AFTER THE ARAB AND THE MONGOL INVASIONS

Although the Islamic teachings on woman reveal particular care of the Prophet of Islam towards the rights and position of woman, and her important role as mother and educator, after the Arab and the Mongol invasions one cannot find Iranian women as effective and independent as those of ancient Iran.

However we observe great women as Fatemeh and Zainab (1) in the beginning of Islam, who have by their eloquence and speeches in the public, local and international, fields practically proved their knowledge and spiritual strength, but it as if the period of recession for the Iranian women had begun.

In none of the works of the famous poets or writers, after this period, mention is made of the virtue and the bravery of the Iranian woman, nor of her wisdom, judgement, skill and power, of her impressive and effective participation in social affairs. Can we seek the reason for this recession in these words of "Abu Raihan Biruni" who has said: "Our books, even the Avesta were not left immune from the injury of the time or from the harm of the foe. Today there remains only the Avesta of the Sasanide period, which is only a fifth of the original. The rest has been destroyed."

Or we have to search for the reason in the spiritual state of an afflicted and grieving nation who tries to compensate for her political defeats through culture, art, and spiritual strength? The fruitful culture and civilization of Iran had directly impressed the Abbaside and the Amavide governments in the early centuries of Hijrat, but after the Arab and Mongol invasions, once

1 — Daughters of the Prophet Mohammad and Ali Enb-Abitaleb

(2) Vol. 1. Chapter two, Women in Islamic Teachings

about her”.

This beloved maiden induces and sustains the best discussions in the circle.”

And Gordieh says:

“If I am a woman, yet I give advice to men and still I am younger than my brother.”

We see that in another place this same pure and noble lady addresses Toorak the representative of the ruler of China who was defeated by her:

“Hast thou seen Bahram? hast thou liked his riding and fighting

And now I will test thee and once will call thee to fight.”

We observe that Ferdowsi does not omit to range the characteristics of wisdom and bravery with charm and beauty of the heroines of his book.

Gordieh and Gord Afarid, like Rostam and Sohrab, are not only strong heroines and warriors but they are also wise, noble and are clear in spirit. They fight against ugliness, cowardice and injustice, and rush with enthusiasm to the help of the needy.

CHARACTERISTICS OF MOTHERS, LOVERS AND WIVES OF SHAHNAMEH

Ferdowsi says about Homa, who was elected by the people as their queen after her father's death:

“In wisdom and in justice, she surpassed her father.

The whole world was flourishing through her justice.”

Even when love of victory and power covers her eyes, and pride and negligence darken her vision, her maternal love draws aside these veils.

Regretting her past, she kisses the crown and places it on her son's head.

Jarireh, wife of Siavosh and daughter of Peeran, who could not endure to see the death of her son in the battlefield, first burnt the treasures of the fortress and ends her life thus:

“Puts both her cheeks over the face of

her son, cuts her belly and dies close to him.”

This is how the women of Shahnameh and many others, such as Tahmineh, the mother of Rostam, were firm and loyal in their love.

Roodabeh, the girl for whom many princes had asked her hand in marriage, when she falls in love with the white haired Zal, becomes the most passionate lover of her time. She pledges love and fidelity and becomes the most loyal of women.

Roodabeh says:

“Why should we hide what is so clear?

The husband of my soul is the son of Sam, Whether they call him old or call him young, He is the only comfort of my body and my soul.

I am in love with him, not with his face, nor with his hair.

I sought his love because of his true worth.”

WOMAN IN THE ISLAMIC TEACHINGS

The Islamic Teachings, considered as a fundamental revolution of the conditions of the Arab woman, decisively forbade the killing and the live burying of girls which was current and common among the Arabs in the period of their paganism before Islam.

It is narrated that the Prophet of Islam would kiss the hands of his daughter, Fatemeh. This attention and respect was to set a living example on the Quranic teachings for the Arab husbands, fathers and brothers.

“Amongst you, he who respects more his wife and treats her with more humanity and affection, he will be rewarded greatly by the Almighty.”

“Oh ye people, know that, your wife is the gift which has been bestowed upon you by God.”

“And one of his miracles is that He created from you the woman, for you to rest peacefully with her, and He has created between you, love and mercy”. Holy Quran.

The apparent point is that while praising

THE CHOICE OF A BRIDE ; THE LIFE COMPANION , AS THE MOST SACRED ACT

Zoroaster, addressing his daughter, Paorochista, says:

“Now, thou Paorochista, of the race of Heechtasb and of the line of Sepentaman, I, Zoroaster, choose for you with a good intention and with the help of Mazda Ahura, Jamasb, the helper of the pious and the religious, as thy husband. Now, go and consult your own wisdom. With a pure intention accomplish the most holy act.”

Zoroaster advises on choosing a woman of wisdom and learning, paying attention to the protection of the race from dispersion. He pays importance on character, inner essence, nobility and fate in matrimonial life.

“Do not deceive another’s wife lest your soul becomes sinful.” Zoroaster complains against married women sinning and men who deceive girls.

Our ancestors would always endeavour to protect women and would advise:

Do not be impudent and uncivil with women otherwise you may be ashamed and regretful.”

EQUALITY OF RIGHTS AND WAGES BETWEEN MEN AND WOMEN

From the 30000 engraved stone plates belonging to the period when Persepolis was being constructed, it can be deduced that workers, and young men and women, boys and girls had participated in the Persepolis construction, each receiving a certain wage.

Worthy of note is that the writings on these stone plates reveal the fact that there were 27 men, 27 women and 23 girls, each of whom received, without any discrimination as to their religion, nationality and sex, a certain wage.

WOMEN IN ANCIENT IRANIAN ARCHEOLOGY

In many of the finds relating to Iran of 3000 years before Christ, engravings and pic-

tures of goddesses can be seen which reveal the matriarchal society and woman’s high position in those days. Amongst these engravings and pictures, Anahita, the Goddess of fertility and love can be mentioned whose matchless qualifications and beauty have been reflected in detail in the “Avesta”. One can also say, as the excavations reveal, that women in the period of 4000 years before Christ, were acquainted with the art of spinning, weaving and pottery. The women would dedicate themselves to the peace, tranquility and warmth of their homes and their families and they would also learn the art of dancing, which was an instinctive art regarded in those days as a form of prayer. These dances were sometimes performed with the participation of their men folk.

From ancient works this fact becomes apparent, that woman in ancient Iran was the symbol of life, creation and fertility. The statues existing in pre-historic sites confirm this situation.

WOMAN IN IRANIAN EPIC LITERATURE

Iranian women had a direct part in all walks of the family life. Together with men they would participate in wars and in debates. Their opinions and proposals were effective and accepted by men. Like men they were rulers but when they shared equal human values with men socially and psychologically, they never forgot their original and natural particularities from the beauty of their body to their soul. Even in their highest and most sensitive social positions, they remained true and authentic women .

The great epic poet of Iran, Ferdowsi, says:

“Tell Ghaidafeh, oh thou wisest lady, ruler, farsighted woman and counsellor; thou hast modesty and wisdom. The world is safe with thy wise judgement.”

“Behind the curtain of the palace, the hero had a sister, most clear spirited, charming and affectinate.

Her name was Gordieh, everybody said

Brief resume of the main text

WOMAN IN THE ANCIENT BELIEFS OF THE IRANIANS

GENESIS OF MAN

The creation of the world's first man and woman, in the religion of Zoroaster originates in a plant. (1)

In this beautiful story of creation, at the birth of man, some fundamental points are revealed:

- Similarity of man and woman in creation.
- Ahura Mazda creates them pure and chaste so that they shall make use of piety and justice.
- Their initial thought is to create contentment and friendship between one another.
- Their initial deed is the cleansing and ablution of body and soul.
- Their initial words are praise, and thanksgiving to Ahura Mazda, the creator of whatsoever is of the truth. It is on this foundation that Xenophon's statement in Cyropedia can be considered as truthfull, that while the Greek children were sent to school to learn literature, the Iranian children would go to school to learn the customs of justice and fairness."

THE END OF MAN'S CREATION IN THE RELIGION OF ZOROASTER

In the conclusion of the creation of man, woman plays a radical part:

"On the third day of the devotee's death, a beautiful girl descends upon him and gives his departing soul all comforts. The devotee surprised turns and asks:

"Who art thou, oh ye most beautiful and graceful girl?"

"The girl replies, I am thy conscience and thy ownself."

On the third day of the "unclean" and "ill actioned" devotee, a dreadful and frightful old woman descends on him. She makes him shudder with terror. The deceased then asks:

"Who art thou, oh ye old woman? The old woman answers: "I am thy conscience and thy ownself."

Iranian women, in the ancient history of Iran, are not only noteworthy for their succession to the thrones and for their ascension to the highest social and political ranks, side by side with men, but also as worthy mothers and wives and as mature individuals they have played the most impressives parts in their families and the social units of their time, through love, wisdom, forgiveness, noble disposition and loyalty towards their husbands, brothers, and fathers. They have, thus, upheld their country in the role of authentic Iranian women and have consequently set examples for the generations to come.

The devotion, nobility and wisdom of these women, their art of loving, their modesty, personality and independence, their mental strength and courage, all these and many more speak for the deep rooted civilization, culture and education which form the fundamentals of the magnificence of the ancient Iranian civilization.

WOMAN AND THE FAMILY

Iranian ancestors considered women as the world's riches and blessings. They payed much attention to woman's pure nature, race, lineage, wisdom and understanding.

"Love the woman who is good natured, clever, well behaved and modest. Marry this woman". (1)

And about the bridegrooms they would advise:

"Choose for a bridegroom the man with a clean heart, clever, wise and well disposed. His poverty is not a fault. The wise man is like good earth. The seeds sown in it will bear good fruits."

(1) See first volume, first chapter

(1) Andarz Azarpad Mehrsepanan.

This is a brief resume of a three volume book containing over 700 authentic historical plates and pictures (1) of the Iranian woman during different periods of the history of Iran from 4000 years before Christ to the present time.

The fruit of the author's original work was first presented as a thesis of doctorate in psychology and education in 1960 at the Sorbonne University and during the past eleven years the various aspects of this work were further developed by collecting original plates and pictures and many other new documents.

The deep interest of H.I.M. Queen Farah Pahlavi in the cause of Iranian women and mothers was an inspiring force for the three volume magnumopus to be published, of which the present is a brief resume.

The book is the result of intensive research for twenty years by the author about Iranian women. The writer in her capacity of a university professor of education at the Tehran University and the Teachers Training College, has taught thousands of students and prospective teachers.

Furthermore, as the founder and the editor in chief of a well known educational journal, Sepideh Farda. "Tomorrow's Dawn" to which teachers, students and parents had faithfully subscribed, (2) she was able to describe most effectively this unexplored subject and enliven the characteristics, role and the social and

psychological conditions of the Iranian woman since the beginning of the recorded history.

This work of research touches upon the life, psychological conditions, ways of thinking and social standing of the Iranian woman.

A woman as a born natural educator and also as a wife and active member of the society, enjoyed high esteem in old times.

Her position changed after the Arab and Mongol invasions and only after the Constitution and particularly the reforms of the past decade was she able to begin to regain her formal influential position. The author elucidates from the historical, religious, literary texts, and from the historical plates and pictures available, the national characteristics of the Iranian woman and her role and influence in all aspects of the individual and social life of her time, her role in the making of the family as a unit of society, and her influence on her husband and her children.

By comparing the life of the ancient Iranian woman with that of today, the readers may find ways for their fulfillment and happiness through the development of the best of their own human resources as well as those of their partners. ways indeed, that can well be adapted to the national customs and traditions as well as ways that can be compatible with the new needs and problems of our world of today.

Publisher

(1) Out of which 100 are in colour.

In recent years the author organized important exhibitions on The "Evolution of Iranian Women", (Iran America Society) in Tehran and Provincues "Women, Past and Present", (Commission of the status of Women and the E.C.A.F.E. Conference), "Women in the ancient History of Iran" Iranologists Congress Tehran 1967. "Role of Women during the ancient history of Iran" (Archeological Museum) 1968.

(2) The educational new undertakings of Sepideh Farda journal such as Children's Club" 1953 "Young Girls association" 1954 and "Parents Teachers Association" 1960 realized along with its theoretical articles was acknowledged as a Unesco Gift project 321 in 1960.

This journal founded in 1952 was affiliated to the high Teachers College in 1956 and expanded its research activities under "Educational and Research Centre for the Women of Iran".



The purpose of the author in taking such a deep interest in this subject is to find a better answer to the educational problems of her country which she has dealt with during her long academic career as well as her educational undertakings.

In this objective women are particularly considered in their most important role of born educators for the present and future generations.

Role and Psychological Evolution
of
Iranian Women

FROM THE EARLIEST TO THE PRESENT TIME

By : Azar Rahnema

Role and Psychological Evolution
of
Iranian Women

FROM THE EARLIEST TO THE PRESENT TIME

By : Azar Rahnema